

Identifying and Analyzing the Competencies and Responsibilities of Doctoral Students at Shiraz University in Relation to Research Guidance by Supervisors

Nayyereh. Hosseini^{1*}, Ghasem. Salimi²

¹ Department of Educational Administration, Farhangian University, Tehran, Iran

² Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

* Corresponding author email address: hosseininayyereh@cfu.ac.ir

Article Info

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Hosseini, N., & Salimi, G. (2025). Identifying and Analyzing the Competencies and Responsibilities of Doctoral Students at Shiraz University in Relation to Research Guidance by Supervisors. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 31(2), 21-44.



© 2025 the authors. Published by Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

ABSTRACT

The current research is a qualitative study that was conducted with the phenomenological method, aiming to explore the perceptions of research participants about the competencies and responsibilities of a doctoral student in the role of a research mentee in interaction with their supervisor. The data were collected by conducting semi-structured interviews with 20 faculty members and 20 doctoral students who were selected using purposive sampling and with criteria-based method and maximum diversity strategy. Data analysis was conducted using thematic analysis. Based on the findings, the competencies of students in the role of research mentees include four organizing themes: scientific-research competencies, professional competencies, interpersonal competencies, and individual competencies. The responsibilities of students in the role of research mentees consist of two organizing themes: task-oriented behaviors and relationship-oriented behaviors. Recognizing and paying greater attention to these competencies and responsibilities, as well as improving the current situation, can facilitate the realization of an effective research mentoring relationship between supervisors and students, thereby maximizing its benefits.

Keywords: *competencies of research mentee, responsibilities of research mentee, doctoral student, supervisor, research mentoring relationship*



فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی

دوره ۳۱، شماره ۲، صفحه ۴۴-۲۱



شاپای الکترونیکی: ۲۲۰۱-۲۷۱۷

شناسایی و تحلیل شایستگی‌ها و مسئولیت‌های دانشجویان دکتری دانشگاه شیراز
در برابر راهنمایی‌های پژوهشی استاد راهنمانیره حسینی^{۱*}، قاسم سلیمی^۲

۱. استادیار، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران

۲. دانشیار، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

*ایمیل نویسنده مسئول: hosseininayyereh@cfu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله

پژوهشی اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

حسینی، نیره، و سلیمی، قاسم. (۱۴۰۴). شناسایی و تحلیل شایستگی‌ها و مسئولیت‌های دانشجویان دکتری دانشگاه شیراز در برابر راهنمایی‌های پژوهشی استاد راهنما. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۳۱(۲)، ۴۴-۲۱.

پژوهش حاضر پژوهشی کیفی است که با روش پدیدارشناسی و با هدف کاوش ادراکات مشارکت‌کنندگان پژوهش از شایستگی‌ها و مسئولیت‌های دانشجوی دکتری در نقش یک ارشادشونده پژوهشی در تعامل با استاد راهنمای خود انجام شد. داده‌ها با مصاحبه‌های نیمه‌ساختمند با ۲۰ عضو هیئت علمی و ۲۰ دانشجوی دکتری جمع‌آوری شد که به صورت هدفمند و با روش معیارمحور و استراتژی حداکثر تنوع انتخاب شدند. داده‌ها با روش تحلیل مضمون تحلیل شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، شایستگی‌های دانشجویان در نقش ارشادشونده پژوهشی مشتمل بر ۴ مؤلفه (مضمون سازمان‌دهنده) شایستگی‌های علمی - پژوهشی، شایستگی‌های حرفه‌ای، شایستگی‌های میان‌فردی و شایستگی‌های فردی و نیز مسئولیت‌های دانشجویان در نقش ارشادشونده پژوهشی متشکل از دو مؤلفه (مضمون سازمان‌دهنده) رفتارهای وظیفه‌محور و رفتارهای رابطه‌محور است. شناخت شایستگی‌ها و مسئولیت‌های مذکور و توجه بیشتر به آن‌ها و بهسازی وضعیت موجود می‌تواند تحقق رابطه ارشادگری پژوهشی بین استاد و دانشجو و بهره‌برداری از مزایای متعدد آن را تسهیل سازد.

کلیدواژگان: شایستگی‌های ارشادشونده پژوهشی، مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی، دانشجوی دکتری، استاد راهنما، رابطه ارشادگری پژوهشی.



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

مقدمه

در اکثر کشورها دکترا به‌عنوان بالاترین مدرک دانشگاهی شناخته می‌شود (Muthuswamy & Molfino, 2017). در واقع انتظار آن است که دانشجویان دکتری با طی دوره دکتری و دریافت این مدرک، شایستگی‌های دانشی، نگرشی و رفتاری لازم برای طراحی و انجام پژوهش‌های مستقل و اصیل را کسب نمایند (Lee et al., 2010) و به یک پژوهشگر مستقل تبدیل شوند. با این حال پژوهشگران معتقدند دوره‌های دکتری به تنهایی قادر به تحقق این هدف نیستند (Altbach, 2007; Kostovich et al., 2010; Nerad, 2004; Ulrich & Grady, 2003). دانشجویان دکتری، پژوهشگران تازه‌کاری هستند که مرحله اولیه زندگی حرفه‌ای خویش را سپری می‌کنند (Boeren et al., 2015; Curtin et al., 2016) و در فرایند انجام پژوهش مستقل با دشواری‌هایی روبرو هستند (Amador-Campos et al., 2023; Ulrich & Grady, 2003). عدم صراحت و پیچیدگی امر خطیر پژوهش، همگام با ظهور پویایی‌های جدید در زمینه آموزش عالی در سطح جهانی در طول سال‌های اخیر، ارشادگری پژوهشی^۱ را به عنوان یک مطلوبیت مورد انتظار در خصوص سازوکارهای توسعه حرفه‌ای پژوهشگران تازه‌کار و از جمله دانشجویان دکتری که در اوایل زندگی حرفه‌ای خود به سر می‌برند، مطرح ساخته است (Boeren et al., 2015; Haider & Dasti, 2022; Steber et al., 2023; Ulrich & Grady, 2003).

ارشادگری پژوهشی، فرایندی است که از طریق آن پژوهشگران تازه‌کار، هنجارها، استانداردها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، دانش، مهارت‌ها و رفتارهای لازم برای تبدیل شدن به یک محقق مستقل را بدست می‌آورند (Keyser et al., 2008). رابطه ارشادگری پژوهشی، بین یک پژوهشگر باتجربه در نقش ارشادکننده پژوهشی^۲ (عضو هیئت علمی/ دانشجوی باتجربه و قدیمی) و یک پژوهشگر تازه‌کار در نقش ارشادشونده پژوهشی^۳ (عضو هیئت علمی/ دانشجوی جدید و تازه‌کار که در یک موقعیت تازه‌وارد نسبت به ارشادکننده است) رخ می‌دهد (Briggs, 2006; Keyser et al., 2008; Vierra et al., 2024). ارشادکننده پژوهشی (یک پژوهشگر باتجربه) هر دو نوع حمایت رابطه‌ای و آموزشی را برای ارشادشونده پژوهشی (یک پژوهشگر کم‌تجربه و تازه‌کار) در جهت تولید و همکاری پژوهشی و توسعه حرفه‌ای وی ارائه می‌نماید. اگر چه همه دانشجویان دکتری از یک استاد راهنما برخوردارند اما شواهد حاکی از آن است که ارتباطات و تعاملات علمی و پژوهشی بین اساتید راهنما و دانشجویان دکتری دچار ضعف‌ها و مشکلاتی است و کمتر می‌توان ویژگی‌های یک رابطه ارشادگری پژوهشی را در تعاملات بین استاد راهنما و دانشجوی دکتری مشاهده نمود (Amador-Campos et al., 2023; Borders et al., 2012; Muthuswamy & Molfino, 2017; Wekullo et al., 2024). در واقع، شکل‌گیری و تحقق رابطه ارشادگری پژوهشی بین استاد راهنما و دانشجوی دکتری مستلزم آن است که استاد راهنما و دانشجو به ترتیب، نقش یک ارشادکننده پژوهشی و یک ارشادشونده پژوهشی را در ارتباط با یکدیگر ایفا نمایند. اما ایفای نقش ارشادشونده پژوهشی توسط دانشجوی دکتری، اقتضاتی را از سوی دانشجو طلب می‌کند و از جمله نیازمند برخورداری وی از شایستگی‌های ارشادشونده پژوهشی و انجام مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی توسط وی می‌باشد (Hernandez et al., 2023; Hosseini, 2020). در همین راستا بریگز (Briggs, 2006) اظهار می‌دارد همانگونه که ارشادشونده‌ها به دنبال ارشادکننده‌هایی هستند که کارکردهای اساسی ارشادگری را محقق نماید، ارشادکننده‌ها نیز ویژگی‌های خاصی را در ارشادشونده‌ها به منظور اطمینان از شکل‌گیری یک زوج ارشادکننده - ارشادشونده موفق جستجو می‌نمایند. به طور خاص ارشادکننده‌های پژوهشی به دنبال ارشادشونده‌هایی با عزت‌نفس و اعتماد به نفس قوی و برخوردار از نگرش مثبت در

¹ Research Mentoring

² Research Mentor

³ Research Mentee

خصوص یادگیری و بازخورد می‌باشند. ارشادکننده‌های پژوهشی همچنین گرایش به انتخاب ارشادشونده‌هایی دارند که ویژگی‌هایی نظیر قابلیت اطمینان و اعتماد و توانایی دنبال کردن وظایف و درخواست‌های (اهداف) بالقوه ارشادکننده را داشته باشند.

هرچند با جستجو در ادبیات پژوهش می‌توان اشارات پراکنده و مختصری را در خصوص برخی ویژگی‌ها و مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی یافت نمود، اما این اشارات علاوه بر محدود و مختصر بودن، اکثراً جنبه تئوریک داشته (Borders et al., 2012; Briggs, 2006; Kostovich et al., 2010; Sanfey et al., 2013) و از یک پژوهش میدانی و به صورت تجربی به دست نیامده‌اند و همچنان کمبود یک پژوهش میدانی که با واکاوی تجارب و ادراکات هر دو طرف رابطه ارشادگری پژوهشی (ارشادکننده پژوهشی و ارشادشونده پژوهشی)، شایستگی‌ها و مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی را شناسایی و تبیین نماید، در ادبیات پژوهش به چشم می‌خورد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر آن است که با واکاوی و تحلیل تجربیات و ادراکات اساتید راهنما و دانشجویان دکتری از رابطه ارشادگری پژوهشی آن‌ها با یکدیگر، شایستگی‌ها و مسئولیت‌های دانشجوی دکتری در نقش ارشادشونده پژوهشی را شناسایی و تبیین نماید. بر مبنای این هدف، سؤال پژوهش به صورت زیر تدوین شد:

۱- ادراکات اساتید راهنما و دانشجویان دکتری از شایستگی‌ها و مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی در رابطه ارشادگری پژوهشی بین استاد راهنما و دانشجوی دکتری چیست؟

مرور پیشینه پژوهش

ارشادگری پژوهشی، رویکردی جدید از ارشادگری در آموزش عالی (Laverick, 2016) و سازه‌ای جدید و در حال تکامل در تئوری و عمل است و دانش و اطلاعات و حمایت‌های تجربی چندانی در خصوص ماهیت و پیچیدگی‌های روابط ارشادگری پژوهشی و ویژگی‌ها و نقش‌های افراد درگیر در آن وجود ندارد (Haider & Dasti, 2022; Maisel et al., 2017; Pfund et al., 2016; Young et al., 2015). با این حال، با جستجو در ادبیات پژوهش می‌توان نظرات مختصر و پراکنده‌ای را در خصوص ویژگی‌ها و مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی در مطالعات پژوهشگران یافت نمود که در ادامه به برخی از این نظرات و دیدگاه‌ها اشاره می‌گردد.

بوردرز و همکاران (Borders et al., 2012) در مطالعه کتابخانه‌ای خود ویژگی‌های ارشادشونده پژوهشی را بر اساس دستورالعمل‌های ارشادگری پژوهشی^۱ که توسط انجمن آموزش و نظارت مشاوران^۲ ارائه شده است، در قالب سه مؤلفه اصلی زیر توصیف می‌نمایند:

(۱) ارشادشونده پژوهشی، یک پژوهشگر بااخلاق^۳ است که از قوانین و هنجارهای مربوط به پژوهش آگاه است و این دانش را در عمل به کار می‌گیرد.

(۲) ارشادشونده پژوهشی، در هر زمان نیازهای خود در روابط ارشادگری را به ارشادکننده اعلام می‌کند و خواسته‌ها و مطلوبیت‌هایش در خصوص روابط ارشادگری را برای ارشادکننده روشن می‌سازد.

(۳) ارشادشونده پژوهشی، یک یادگیرنده اثربخش^۴ است که با یک تمایل به یادگیری و کسب دانش یا مهارت در یک حوزه پژوهشی خاص، وارد رابطه ارشادگری می‌شود.

¹ Guidelines for Research Mentorship

² Association for Counselor Education and Supervision (ACES)

³ ethical researcher

⁴ effective learner

کاستاویچ، سابان و کالینز (Kostovich et al., 2010) در مقاله کوتاه خود با عنوان "تبدیل شدن به یک پژوهشگر پرستار: اهمیت ارشادگری" به نکاتی در ارتباط با انتظارات نقش ارشادشونده پژوهشی اشاره می‌نمایند و از جمله بیان می‌کنند که ارشادشونده پژوهشی باید نوآور و الهام‌بخش پژوهش خود و ارشادکننده خود باشد و به ارشادکننده خود نشان دهد که قادر است یک شهروند پژوهشی مولد و پربار باشد، ارشادشونده پژوهشی همچنین باید خودراهربر و خودانگیزاننده بوده و درصدد فرصت‌های یادگیری باشد و آن را جستجو نماید و در نهایت، ارشادشونده پژوهشی باید قدردان زحمات ارشادکننده خود باشد.

سنفی، هولندز و گانت (Sanfey et al., 2013) نیز در مقاله خود اشاره مختصری به مسئولیت‌های ارشادشونده در محیط‌های آموزش عالی نموده‌اند. به نظر ایشان ارشادشونده‌ها باید علاقه‌مندی و تلاش برای یادگیری و انعطاف‌پذیری را نشان دهند و برنامه‌های مورد نظر ارشادکننده و آنچه که ارشادکننده خواستار انجام آن از سوی ارشادشونده می‌باشد را درک نمایند و آن را به نمایش بگذارند. ارشادشونده‌ها باید در تمام جلسات و قرار ملاقات‌ها بی‌درنگ حاضر شوند و به تلاش و زمانی که ارشادکننده‌ها برای سرمایه‌گذاری بر آن‌ها صرف می‌کنند، احترام بگذارند. آن‌ها باید با لیستی از موضوعات آماده شده برای بحث در جلسات (نظیر جدول زمانی برای پروژه‌ها) حضور یابند. ارشادشونده‌ها همچنین باید در فعالیت‌های سازمان‌های حرفه‌ای در سطوح محلی و ملی مشارکت نمایند و از این طریق به مشارکت‌کنندگان فعال در آینده خود از طریق توسعه شبکه‌های حمایت حرفه‌ای در درون و بیرون از مؤسسات خود تبدیل شوند.

ماتوسوامی و مولفینو (Muthuswamy & Molfino, 2017) در مطالعه خود به مهارت‌های مورد انتظار از دانشجوی دکتری اشاره می‌کنند و این مهارت‌ها را شامل موارد زیر می‌دانند: جمع‌آوری ادبیات به صورت کارآمد؛ ارائه اسلایدها (پاورپوینت)؛ خواندن و درک مطلب؛ مدیریت اثربخش زمان؛ زبان (گفتاری و نوشتاری)؛ برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی؛ استفاده مؤثر از کامپیوتر و ابزارهای فناوری اطلاعات؛ استفاده مؤثر از منابع موجود؛ نگارش فنی؛ رویارویی با مشکل و حل آن؛ دارا بودن اخلاق حرفه‌ای؛ ادغام / ترکیب کردن؛ استدلال تحلیلی و منطقی؛ تفکر عمیق و نوآورانه؛ مبانی نظری قوی؛ خودنظم‌دهی؛ احترام گذاشتن به نظام دکتری^۱.

فرجی دهرسخی و همکاران (Faraji Dehsorkhi et al., 2016) با انجام یک مطالعه کیفی، ویژگی‌های دانشجوی موفق دوره دکتری را شناسایی و در قالب سه مقوله کلی با عنوان تسلط حرفه‌ای، عملکرد حرفه‌ای و شایستگی فردی ارائه نموده‌اند.

در یک جمع‌بندی از آنچه در خصوص ویژگی‌ها و مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی بیان شد، باید به این نکته اشاره نمود که دیدگاه‌ها و نظرات ارائه شده علاوه بر اینکه اکثراً جنبه تئوریک داشته و به صورت تجربی و از یک پژوهش میدانی بدست نیامده‌اند، مختصر و محدود و ناکامل نیز می‌باشند و هیچ یک از این مطالعات، منحصرأ و به طور مشخص بر موضوع شایستگی‌ها و مسئولیت‌ها و انتظارات از ارشادشونده پژوهشی تمرکز نداشته‌اند. در واقع، آنچه در قسمت مرور پیشینه پژوهش حاضر بیان شده است، مطالبی است که به صورت پراکنده در درون بخش‌هایی از برخی مطالعات مربوط به ارشادگری در آموزش عالی به طور کلی و ارشادگری پژوهشی به طور خاص یافت شد و استخراج جمع‌آوری گردید و بخش ادبیات پژوهش حاضر را تشکیل داد. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با انجام یک پژوهش کیفی میدانی که مشخصاً بر موضوع شایستگی‌ها و مسئولیت‌های دانشجوی دکتری در نقش ارشادشونده پژوهشی متمرکز است، گامی در راستای پر کردن خلأ پژوهشی موجود در ارتباط با موضوع مذکور برداشته شود.

¹ Becoming a Nurse Researcher

² One who respects the PhD system

روش پژوهش

پژوهش حاضر، یک پژوهش کیفی است که با روش پدیدارشناسی انجام شده است. هدف پژوهش پدیدارشناسی، توصیف صریح و شناسایی پدیده‌ها است، آن گونه که افراد در موقعیتی خاص ادراک می‌کنند. در واقع پدیدارشناسی به توصیف معانی یک مفهوم یا پدیده از دیدگاه عده‌ای از افراد و بر حسب تجارب زیسته آنان در آن مورد می‌پردازد (Echresh et al., 2023). مشارکت‌کنندگان این پژوهش را ۲۰ نفر از اعضای هیئت علمی برخوردار از سابقه راهنمایی رساله دکتری و همچنین ۲۰ نفر از دانشجویان دکتری که پیشنهاد پژوهشی رساله دکتری آن‌ها تصویب شده بود و حداقل یک مقاله مشترک با همکاری استاد راهنمای خود به چاپ رسانده بودند، تشکیل می‌دادند که به صورت هدفمند و بواسطه داشتن تجربه‌های زیسته‌ای در رابطه با موضوع پژوهش، از میان اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری دانشگاه شیراز انتخاب شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختمند فرد به فرد (انفرادی) جمع‌آوری گردید. از آنجا که ارشادگری پژوهشی یک رابطه دوطرفه است، لذا مصاحبه با هر دو طرف رابطه می‌تواند شناخت دقیق‌تر و کامل‌تری را نسبت به شایستگی‌ها و مسئولیت‌های ارشادشونده به عنوان یک طرف این رابطه، فراهم نماید. بر همین اساس مصاحبه‌ها با هر دو گروه مشارکت‌کنندگان پژوهش (اساتید راهنما و دانشجویان دکتری) تا رسیدن به اشباع نظری داده‌ها در هر گروه (و حتی چند مصاحبه پس از آن به منظور اطمینان بیشتر) ادامه یافت. به این ترتیب ۲۰ مصاحبه با اساتید راهنما و ۲۰ مصاحبه با دانشجویان دکتری انجام شد و از مجموع این مصاحبه‌ها شایستگی‌ها و مسئولیت‌های دانشجوی دکتری در نقش ارشادشونده پژوهشی در تعامل با استاد راهنما شناسایی و استخراج گردید. داده‌ها با روش تحلیل مضمون و شبکه مضامین آتراید - استرلینگ^۱ (۲۰۰۱) تجزیه و تحلیل شدند. مطابق نظر آتراید - استرلینگ (۲۰۰۱) با استفاده از روش تحلیل مضمون و شبکه مضامین در تحلیل داده‌های کیفی می‌توان به سه نوع مضمون پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر با توجه به جایگاه مضمون در شبکه مضامین دست یافت. مضامین پایه، مبین نکته مهم و برجسته‌ای در متن در ارتباط با سؤال تحقیق هستند که با ترکیب آن‌ها مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود. مضامین سازمان‌دهنده، مضامین بدست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه و واسط مضامین پایه و فراگیر شبکه می‌باشند (Attride-Stirling, 2001). هر مضمون سازمان‌دهنده، تعدادی مضمون پایه را حول یک محور مشترک گرد هم می‌آورد. مضامین فراگیر نیز مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل هستند که در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرند. در پژوهش حاضر، ابتدا کدگذاری باز برای مصاحبه‌های دانشجویان دکتری و اساتید راهنما به صورت جداگانه انجام گرفت و در نتیجه، تعداد زیادی کد اولیه از مصاحبه‌های انجام شده با دانشجویان دکتری و به همین ترتیب تعداد زیادی کد اولیه نیز از مصاحبه‌ها با اساتید راهنما به دست آمد که البته تعداد نسبتاً زیادی از کدها در هر دو گروه مشترک و یکسان بود. با این حال برخی کدها نیز صرفاً از مصاحبه‌های انجام شده با دانشجویان یا اساتید راهنما به دست آمده بود. در حین کدگذاری باز مصاحبه‌های هر گروه از مشارکت‌کنندگان پژوهش، با مطالعه دقیق هر مصاحبه و غوطه‌ور شدن در داده‌ها و تحلیل مقایسه‌ای مداوم داده‌های موجود در یک مصاحبه و نیز داده‌های هر مصاحبه با مصاحبه دیگر، تلاش شد تا ضمن استخراج تمام نکات کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش، از همان ابتدا با ایجاد دسته‌بندی‌های ابتدایی و موقت از کدهای اولیه، از پراکندگی بیش از حد کدهای استخراج شده جلوگیری شود. پس از کدگذاری باز مصاحبه‌های هر دو گروه مشارکت‌کنندگان پژوهش، کلیه دسته‌بندی‌های موقت از کدهای اولیه حاصل از کدگذاری باز مصاحبه‌ها با هر دو گروه مشارکت‌کنندگان پژوهش به صورت یکجا مورد بررسی و مقایسه دقیق قرار گرفت که ضمن آن کدهای اولیه درون هر دسته با یکدیگر و با کدهای همه دسته‌های دیگر (اعم از دسته‌های ابتدایی شناسایی شده از مصاحبه با دانشجویان دکتری و اساتید راهنما) مقایسه می‌شد و در حین این مقایسه، چندین بار تغییراتی در دسته‌بندی‌های ابتدایی ایجاد شد؛ از جمله

¹ Attride-Stirling

² constant comparative



برخی کدهای اولیه در این دسته‌ها جابجا شدند، کدهای تکراری حذف شد و برخی کدهای نزدیک به هم و مشابه از نظر مفهوم با یکدیگر ادغام و به یک کد واحد تبدیل شد و در این حین برخی دسته‌ها نیز با هم ادغام و به یک دسته تبدیل می‌شد. در نهایت طی یک فرایند رفت و برگشتی از ایجاد و تغییر در دسته‌بندی‌های کدهای اولیه با مقایسه دقیق و چندباره دسته‌ها و کدهای درون آن‌ها با یکدیگر و پالایش و نامگذاری کدها، کدهای نهایی مستخرج از مرحله کدگذاری باز و دسته‌بندی‌های نهایی از این کدها شکل گرفت و به هر دسته یک عنوان (برچسب) اختصاص داده شد که محتوای آن دسته را به طور کامل پوشش می‌داد. هر عنوان در حقیقت نام یک مضمون سازمان‌دهنده و هر یک از کدهای قرار گرفته در هر دسته نیز در واقع یک مضمون پایه می‌باشد. در فرایند نامگذاری و دسته‌بندی کدها تلاش شد تا ضمن حفظ همگونی درونی مضامین پایه هر دسته با یکدیگر، فقدان همگونی بیرونی هر مضمون پایه با سایر مضامین پایه شناسایی شده از تحلیل داده‌های پژوهش نیز لحاظ گردد. به این ترتیب، هر مضمون سازمان‌دهنده شامل چندین مضمون پایه مرتبط با هم است. در سطحی کلی تر مضامین سازمان‌دهنده نیز در قالب مضمون‌های کلی تر که در روش شبکه مضامین با عنوان مضمون فراگیر خوانده می‌شود، طبقه‌بندی می‌شوند. در پژوهش حاضر مضامین سازمان‌دهنده در قالب دو مضمون فراگیر طبقه‌بندی شدند. به منظور جلوگیری از طولانی شدن مقاله در **جدول ۱** تنها چند نمونه از شواهد کدگذاری مربوط به شناسایی و استخراج برخی مضامین پایه بدست آمده از تحلیل داده‌های پژوهش حاضر، ارائه شده است.

جدول ۱

نمونه شواهد کدگذاری مربوط به شکل‌گیری مضمون فراگیر شایستگی‌های دانشجوی دکتری در نقش ارشادشونده پژوهشی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	شواهد (نقل قول‌ها)
شایستگی‌ها	شایستگی	دانش پایه قوی حالا اگه در کنار این ویژگی‌ها یک بک‌گراند (background) علمی خوب هم داشته باشه که خیلی کمک می‌کنه. یعنی بعد دیگه موضوعات و بحث‌های علمی که پیش میاد طبیعتاً خیلی ضعف نداره. چون یک بک‌گراند خوب داره، اطلاعات علمی خوب داره و خوب می‌تونه تحلیل کنه موضوع رو و خوب می‌تونه بسطش بده. چون در مورد دانشجوی دکترا واقعاً این هم لازمه، یعنی این بسط دادن و تحلیل کردن نتایج و اطلاعات، بسیار حائز اهمیت است. خُب باید حالا این نتایج رو بحث کنه و تحلیل کنه، چی شده و چرا این جور شده و چراها رو در واقع باید بتونه جواب بده و جواب دادن به این چراها، یک بک‌گراند علمی خوب می‌خواد که قبلاً مطالعه علمی خوبی در این زمینه داشته باشه و درس‌هایی که مرتبط هستند و پاس کرده را خوب فهمیده باشه. (کد ۱۴، استاد تمام دانشکده مهندسی)
ی دانشجوی دکتری در نقش ارشادشونده پژوهشی	شایستگی‌های علمی - پژوهشی	فهم عمیق و توانایی حل مسئله	خیلی از اون featureهایی که برای استاد راهنما باید وجود داشته باشه تا رابطه‌ی منتورینگ پژوهشی، موفق بشه می‌تونه دوطرفه باشه. یعنی در مورد دانشجو هم باید وجود داشته باشه. قطعاً دانشجو هم باید اطلاعات تخصصی‌شو بالا ببره و (کد ۱۸، دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی)
		توانایی یادگیری و حل مسئله	یک بخش دیگه، بحث محتوایی است که دانشجویان، یک اِشکالی که دارند این هست که مطالعاتشون خیلی کم هست. یعنی وقتی نگاه می‌کنی، می‌بینی این دانشجو تا به این جا رسیده، حالا شاید نتونم عدد و رقم دقیقی بگم ولی باید مثلاً بالای ۳۰۰ کتاب مرتبط با رشته‌اش می‌خونده، ولی تا به اینجا رسیده در مجموع غیر از کتاب‌های درسی مثلاً سی چهل تا کتاب هم نخونده؛ خُب این خیلی ضعیفه. (کد ۵، دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی)
		توانایی کار تیمی و ارتباطات	بنیه ذهنی من برای خیلی از پژوهش‌ها تئوری‌های و اصولی هست که توی درسی که توی دوره آموزش با استاد راهنما داشتیم ایشون به ما درس دادن و خیلی عالی اون واحد درسی رو برای ما تدریس کردن. یعنی انقدر خوب به ما آموزش دادن که دانش پایه من خیلی قوی شد. (دانشجوی کد ب از گروه علوم انسانی)



خلاقیات و ابتکار و
ریسک‌پذیری
پژوهشی

خودکار و خودآموز و
خودراهبر بودن

یکی از مشکلاتی که ما بعضاً با دانشجو داریم این هست که وقتی به دانشجو موضوعی پیشنهاد میشه یا مراحل کاری پیشنهاد میشه دانشجو درست تو همون مسیر و طبق همون چیزهایی که براش تعریف کردیم حرکت می‌کنه و پاشو این ور و اون ور نمی‌گذاره ولی ما علاقه‌مند هستیم که اتفاقاً دانشجو پاشو این ور اون ور بذاره و ریسک‌پذیری داشته باشه و خودش بتونه به موضوع فکر بکنه، حتی تغییرات خلاقانه مفید در موضوع ایجاد کنه و به موضوع شاخ و برگ بده و بتونه اون رو بسط و گسترش بده. ضمن اینکه این موارد که دانشجو خودش به یک نتیجه یا ایده‌ای می‌رسه می‌تونه منجر به publicationهایی بشه. چون با خلاقیت دانشجو بدست اومده و یک نوآوری‌هایی رو دربرمی‌گیره. بعضی وقتها دانشجوها ریسک‌پذیر هستند و تمایل نشون می‌دن به انجام کارهای نو و سخت و چالش‌برانگیز و بعضی دانشجوها هم ریسک‌پذیر نیستند. دانشجو ممکنه قابلیت‌های زیادی داشته باشه که تا نره سراغ کارهای جدید شکوفا نشه. (کد ۱۴، استاد تمام دانشکده مهندسی) (دانشجو باید) قوه ابتکار و خلاقیت خود را در انجام پژوهش به کار اندازد. (کد ۱۰، استاد تمام دانشکده علوم بعضی دانشجوها هستند که لحظه به لحظه میان و سؤال می‌کنن که حالا این مرحله تمام شد برای مرحله بعد باید چه کار کنم. اصطلاحاً ما به این دانشجوها می‌گیم آب هم بخوان بخورن شما باید یهشون بگی چه جوری آب بخورن. بعضی از دانشجوها هم هستند حالا به اصطلاحی اساتید قدیم ما به کار می‌بردند در مورد این دسته از دانشجوها و می‌گفتند این دانشجوها آنتن سُرُخود هستند یعنی اینکه خودشون مسیر خودشون رو تعریف می‌کنند و پیدا می‌کنند و کار رو به انجام می‌رسوند و خیلی وابسته به استادشون نیستند. این رو در مقابل دانشجویی قرار می‌دم که فرض کنید می‌خواد آب هم بخوره از شما می‌پرسه چه جوری باید آب بخوره؛ مطمئناً این اصلاً شرایط مناسبی برای یک دانشجوی دکتره نیست. آنتن سُرُخود یعنی اینکه خودش مسیر خودش رو پیدا می‌کنه و خودش پیش میره و اگه مشکلی هم پیش بیاد خودش تازه راه حل پیشنهاد می‌کنه. یعنی شما دو نوع دانشجو داری: ولی به دانشجویی هم هست وقتی به مشکل برمی‌خوره جوابش رو هم سعی می‌کنه پیدا کنه و بعد میاد سراغ شما میگه استاد من به این مشکل برخورددم و رفتم تحقیق کردم به نظرم میاد که راهکارش این هست، نظر شما چیه؟ این خُب خیلی متفاوت از دانشجوی قبلی هست و فکر می‌کنم دانشجوی دکتری واقعاً شایسته باید همین‌گونه باشه. (کد ۱۴، استاد تمام دانشکده مهندسی)

متکی به خود باشد. برای هر سؤال کوچک وقت استاد را نگیرد و سعی کند پاسخ بیشتر سؤالات را خود با جستجو و تحقیق در متون علمی و مقالات بدست آورد. در چنین صورتی است که دانشجو یک محقق واقعی می‌شود. خیلی اوقات من به دانشجوهایم می‌گویم خودتان اجتهاد کنید. دانشجوی دکتری باید به این درجه از تخصص علمی برسد. هیچ استادی از دانشجویی که برای هر چیز پیش پا افتاده‌ای دائماً از استاد سؤال می‌پرسد خوشش نمی‌آید. (کد ۱۰، استاد تمام دانشکده علوم)

من شخصاً خیلی آدم سلف‌استادی‌ای (self study) هستم و آدمی هستم که تا به بن‌بست نخورم نمیرم پیش استاد راهنمام. (دانشجوی کد ب از گروه علوم انسانی)

دانشجوی دکتره باید بپذیره که وقتی دانشجوی دکتره شد تا حدی باید خودش پیگیر کار خودش باشه و ... نباید توقع داشته باشی همش بیان بالا سرت و همش بهت بگن این رو چه جوری انجام بده و اون رو چه جوری انجام بده، یه چیزهایی رو هم قاعداً باید خودت بلد باشی یا اگه بلد نیستی بری دنبالش و یاد بگیری (دانشجوی کد ه از گروه کشاورزی و دامپزشکی)

اگه استاد راهنما دانشجو رو خیلی حمایت نمی‌کنه و خودش رو درگیر پایان‌نامه دانشجو نمی‌کنه دانشجو باید سعی کنه تا جایی که ممکنه خودش کارش رو انجام بده و جلو بره و اینطوری ناخودآگاه یاد می‌گیره و کم کم یک researcher قوی می‌شه. یعنی کسی بهتون چیزی یاد نداده ولی خودت یاد گرفتی و خودت، خودت رو ساختی. پس دانشجو باید اگه شرایط باهانش نساخت بتونه خودش، خودش رو بسازه. (دانشجوی کد و از گروه علوم پایه)

علاقه و کوشش و
پشتکار در
فعالیت‌های پژوهشی

همیشه اساتید می‌گن که دانشجوی دکتره باید ۹۵ درصد پشتکار داشته باشه و ۵ درصد استعداد و در واقع می‌خوان بگن که پشتکار خیلی اهمیت داره. و واقعاً دانشجو اگر پشتکار داشته باشه حتی اگر هم کمی ضعف علمی توی کار داشته باشه ولی با پشتکار میشه برطرفش کرد و جبرانش کرد ولی پشتکار وقتی میاد که علاقه هم باشه و این دو تا یه جورایی در کنار هم هستند. اگه کسی علاقه نداشته باشه طبیعتاً پشتکار هم نداره. (کد ۱۴، استاد تمام دانشکده مهندسی)

وقتی دکتر X دید که من برای دیتا جمع کردن یا شدم رفتم اصفهان و تهران و مرودشت، خیلی اثر گذاشت روش در اینکه من رو انتخاب کنه و با من کار کنه. یعنی علاقه و پشتکار زیاد من باعث شد بتونم با این استاد پایان‌نامه بگیرم و ایشون من رو انتخاب کنن. مطمئناً اگر اولین کاری که دکتر X به من گفت بیا با هم



بنویسیم رو من برآش وقت و انرژی نمی گذاشتم و سعی نمی کردم و خوب نمی نوشتم مسلماً دیگه ادامه نمی داد.

(دانشجوی کد ب از گروه علوم انسانی)

.... سخته واقعاً مخصوصاً تو حوزه پژوهش خیلی وقتها توی رقابت با بقیه، شما برای چاپ کردن مقاله توی به مجله خوب خیلی باید وقت و انرژی بذاری و خیلی کار کنی. خیلی وقتها شکست می خوری، اگه قرار باشه ناامید بشی نمی تونی به جایی برسی و بنابراین دانشجویی می تونه موفق بشه که دلسرده نشه و روحیه قوی ای داشته باشه و ... (کد ۱۸، دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی)

بعضی از اساتید یک پتانسیل های دارن که دانشجویایی که زرتنگ و باهوش هستن این پتانسیل ها رو تشخیص می دن و معمولاً خیلی خوب از پتانسیل های استاد راهنماشون استفاده می کنن البته باهوش که میگم منظورم فقط از نظر درسی نیست بلکه باهوش از نظر استفاده از فرصت هایی که براشون پیش میاد و اون حالت آینده نگری و زیرکی هایی که توی تعاملاتشون با دیگران دارن، در حالیکه بعضی دیگه از دانشجویها اون باهوشی و زیرکی تشخیص و استفاده از پتانسیل های استادشون رو ندارن. (دانشجوی کد ب از گروه علوم انسانی)

.... بنابراین دانشجو باید به رشته اش علاقه مند باشه و همینطور به کاری که می خواد انجام بده ... (کد ۱۴، استاد تمام دانشکده مهندسی)

استاد و دانشجو باید اولاً هر دو در مسیر علمی و پژوهشی خودشون هدف داشته باشن و (دانشجوی کد گ از گروه فنی - مهندسی)

.... باز اگر برگردم سراغ اون چند تا دانشجوی خودم که ارتباط موقعی بین ما شکل گرفت و وجود داره، احساس میکنم علاوه بر استمرار رابطه، بحث انگیزه خیلی مهمه. و یک حالت انگیزشی قوی در این دانشجویها وجود داشته شما هر چقدر هم که تلاش کنید خیلی سخته که دانشجویی که انگیزه نداره رو به جایی بتونید برسونید و به نظر من مهمترین ملاک برای دانشجو، انگیزه است. (کد ۱۸، دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی)

دانشجو باید هدفمند باشه. یک چیز جالب که من دیدم اینه که موقعی که بچه ها میان برای مصاحبه دکتری، ازشون یه سؤال می پرسیم که چرا اینجا رو انتخاب کردید؟ پاسخها بینید چقدر ناراحت کننده است: یکی میگه خُب اینجا شهرم هست، یکی دیگه میگه نزدیک خانواده ام هستم، یکی می گه شیراز خُب شهر خوبیه و خوش آب و هواست، نهایتاً یکی میگه دانشگاه خوبیه، خُب آدم کمی خوشحال و امیدوار میشه. خیلی کم پیش میاد یه نفر بگه بخاطر این استاد اومدم و بخاطر این اومدم که ایشون داره اینجا کار می کنه، ایشون داره روی این موضوعات کار می کنه و من هم می خوام روی این موضوع کار کنم که در ارتباط با حوزه کاری ایشون هست اگر دانشجو این آگاهی رو داشته باشه که بگه من در طول تحصیلم تا الان به این نتیجه رسیدم که به این موضوعات علاقه مندم و روی این موضوعات داره علاقه من شکل می گیره و گشتم گشتم دیدم مثلاً دکتر خ اینجاست که داره در این ارتباط کار می کنه، یا دکتر م اینجاست که کارهاشون در این حوزه پژوهشی هست و بخاطر دکتر م اومدم، می تونم بگم که نقطه شروع خوبی است، یعنی پیشاپیش میشه تضمین کرد که بعد از چهار پنج سال، ورود پیدا کردن و کار کردن با دکتر م یا دکتر م یا ایکس و ایگرگ به نتیجه خواهد رسید ولی وقتی که فقط بخاطر آب و هوا اومده یا بخاطر شهر اومده، گیج می زنه به قول معروف و اون هدفمندی لازم رو نداره، و خُب با چهار پنج سال قانداً معجزه ای اتفاق نمی افته. (کد ۵، دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی)

... اعتماد استاد و دانشجو به همدیگه در نتیجه شناخت حاصل می شه. و شناخت هم وقتی ایجاد می شه که تعاملات زیاد بشه و همه چیز باز و آشکار بشه و من در مورد خودم به استاد بگم و استاد هم از خودش بگه. (دانشجوی کد ه از گروه کشاورزی و دامپزشکی)

مثلاً من خودم شده که توی کار پایان نامه ام به اساتید یا دانشجویایی در خارج از کشور که در ارتباط با فیلد کاری من کاری انجام دادن یا تخصصی دارن، ایمیل زدم و مشکل کارم رو با اونها share کردم و با هم حلش کردیم. مثلاً شده دو سه تا مقاله بهم معرفی کردن که همون ها باعث شده به جرقه هایی توی ذهنم زده بشه و ایده هایی به ذهنم برسه. (دانشجوی کد و از گروه علوم پایه)

همون روحیه تعامله را همونجور که استاد با داشته باشه، دانشجو هم باید داشته باشه که بتونه تعامل برقرار کنه. خیلی از اون feature هایی که برای استاد راهنما باید وجود داشته باشه تا رابطه منتورینگ پژوهشی، موفق بشه می تونه دوطرفه باشه. یعنی در مورد دانشجو هم باید وجود داشته باشه. قطعاً دانشجو هم باید اطلاعات تخصصیشو بالا بیره و اون هم باید از نظر برقراری تعامل قوی باشه. (کد ۱۸، دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی)

دلسرد و ناامید نشدن
در
سختی ها

هوشیاری
در
تشخیص و بهره بردن
از پتانسیل های استاد
راهنما

علاقه مندی به رشته
تحصیلی
بالانگیزه و هدفمند
بودن

خودآشکار سازی
شایستگی
های
میان فردی

توانایی
برقراری
ارتباط مؤثر





شایستگی های فردی	قابل اعتماد البته توی این رابطه فقط استاد نیست که نقش داره و اثرگذار هست و دانشجو هم یک طرف این رابطه هست و باید قابلیت‌های لازم رو داشته باشه و به نظر من دانشجو در درجه اول باید قابل اعتماد باشه (دانشجوی کد ه از گروه کشاورزی و دامپزشکی)
جسارت در بیان خواسته‌ها و انتظارات		مثلاً من ریکامندیشن لتر (Recommendation letter) واسه چند تا دانشگاه‌های امریکا می‌خواستم و می‌خواستم ریکامندیشن لترم رو با جزئیات بنویسم خُب با استاد راهنمام خیلی راحت بودم و بهشون گفتم که اگه اشکالی نداره من خودم Recommendation letter می‌نویسم و توش دقیقاً می‌نویسم چه کارهایی انجام دادم و چه جوری انجام دادم ... بعد دیگه شما هر طور صلاح می‌دونید تغییرش بدید. یعنی می‌خوام بگم این جسارت رو دارم که راحت بهش بگم که مثلاً Recommendation letter رو من خودم آماده می‌کنم و (دانشجوی کد ب از گروه علوم انسانی)
صبور و توانا در حفظ آرامش خود		(دانشجو باید) انتظاراتش رو از استاد راحت بیان کنه و این فرصت خوبی هست که به نظر من یک مقدار دانشجو می‌تونه روی بحث شجاعت و اعتماد به نفس خودش هم کار کنه (دانشجوی کد د از گروه فنی - مهندسی)
با اعتماد به نفس		دانشجو انقدر باید وقتی خرجی می‌کنه بره و راحت به استادش بگه که مثلاً من اینقدر خرج کردم و این فاکتورش هست و به این قدر پول نیاز دارم. ژورنال پول می‌خواد، فلان وسیله یا فلان کتاب رو خریدم من راحت برم به استادم بگم این قدر هزینه‌ش. یا مثلاً این قدر پول ترجمه شده شما زحمتش رو بکشید لطفاً، نه اینکه توی رودرواسی هیچی نگه. (دانشجوی کد ج از گروه علوم انسانی)
		دانشجو باید غرغرو هم نباشه و اگه کارش پیش نمی‌ره و جایی موفق نمی‌شه باید صبور باشه و زود آشفته نشه. (دانشجوی کد ه از گروه کشاورزی و دامپزشکی)
		یکی از مهمترین خصوصیات دانشجوی دکتری اعتماد به نفس هست. چون دانشجویی که اعتماد به نفس داشته باشه می‌ره دنبال کار جدید، چون بهر حال اون هم دنبال publicationهای بیشتر هست چرا که ابتدای کار هست و نیاز به غنی شدن رزومه داره چون اصلاً بدون اعتماد به نفس کار پیش نمی‌ره و اگه کسی اعتماد به نفس نداشته باشه دائم می‌گه من نمی‌تونم یا اگه هم کاری رو انجام بده همش نگران و استرس داره که نکنه مشکلی پیش بیاد و نکنه من نتونم از عهده کار بریبام و این خودش مانع تمرکز کامل دانشجو بر کار و پایین آمدن بازده کار دانشجو میشه. (کد ۱۴، استاد تمام دانشکده مهندسی)

برای اعتباریابی یافته‌ها از معیارهای اعتبارسنجی کیفی نظیر اطمینان‌پذیری / اعتبارپذیری^۱ (مشارکت کافی در جمع‌آوری داده‌ها^۲ و بررسی همتا^۳)، انتقال‌پذیری^۴ (رعایت حداکثر تنوع^۵ در انتخاب مشارکت‌کنندگان و انتخاب نمونه‌ای که نماینده طیف مشارکت‌کنندگان بالقوه پژوهش باشد و گروه‌های مختلف مشارکت‌کنندگان بالقوه را پوشش دهد تا نتایج کاملی بدست آید و امکان کاربرد یافته‌های پژوهش را برای طیف وسیع‌تری از خوانندگان یا مصرف‌کنندگان پژوهش فراهم کند) و اتکاپذیری^۶ یا ثبات^۷ (مسیر ممیزی^۸) استفاده شد. بررسی همتا شامل درخواست از یک همکار برای اسکن برخی داده‌های خام و ارزیابی اینکه آیا یافته‌ها بر اساس داده‌ها قابل قبول است یا خیر، می‌باشد و می‌تواند توسط یک همکار که هم با پژوهش کیفی و هم با موضوع مورد پژوهش آشنا باشد، انجام شود (Merriam, 2009). در پژوهش حاضر نیز پروتکل مصاحبه و اجرای مصاحبه‌ها با نظارت‌ها و راهنمایی‌ها و بازخوردهای چند تن از اساتید متخصص در حوزه آموزش عالی و علوم تربیتی شکل گرفت و انجام شد و نتایج کدگذاری داده‌ها همراه با شواهد مربوطه جهت بررسی در اختیار اساتید مذکور قرار گرفت که مطابق نظر ایشان مقولات شناسایی شده، الگوهای درون داده‌ها را به طور مناسبی تبیین می‌نمود و تناسب بین مفاهیم و مقولات مستخرج از داده‌ها با داده‌های مربوطه، توسط اساتید مذکور تأیید گردید. مشارکت کافی در جمع‌آوری داده‌ها یکی دیگر از استراتژی‌ها برای کسب اطمینان از اعتبار یافته‌های

1. Credibility

2. Adequate Engagement in Data Collection

3. Peer Examination or Peer Review

4. Transferability

5. Maximum Variation

6. Dependability

7. Consistency

8. Audit Trail



پژوهش کیفی است که باعث می‌شود تا حدّ امکان به ادراک مشارکت‌کنندگان از پدیده مورد بررسی نزدیک شویم. پاسخ به این سؤال که با چه تعداد افراد باید مصاحبه صورت گیرد همیشه دشوار است، زیرا پاسخ این سؤال، بسته به هر پژوهش و مطالعه‌ای، خاصّ خودش است. بهترین قاعده کلی این است که داده‌ها و یافته‌های نوظهور باید اشباع شوند (Merriam, 2009). همانگونه که پیشتر نیز اشاره شد، در پژوهش حاضر تلاش شده تا این معیار کاملاً رعایت گردد. در خصوص روش مسیر ممیزی باید گفت همانگونه که یک حسابرس/فرد ممیز، صورت حساب‌های یک کسب و کار را تأیید می‌کند، خوانندگان مستقل نیز می‌توانند یافته‌های یک مطالعه را با پیروی از سلسله کارهایی که محقق انجام داده است و مسیری که در انجام پژوهش خود طی نموده است تأیید کنند. اما از آنجا که نمی‌توان از دیگران انتظار داشت یک پژوهش را صرفاً برای تأیید نتایج آن، تکرار کنند، بهترین کار این است که محقق تصریح نماید چگونه و با انجام چه فعالیت‌هایی به این نتایج دست یافته است. ریچاردز (Richards, 2005) معتقد است یک تحقیق کیفی خوب، بیشترین اعتبار خود را از توانایی پژوهشگر برای اینکه به طور قانع‌کننده‌ای نشان دهد چگونه به این نتایج دست یافته است، کسب می‌کند (Merriam, 2009). هر یک از کدها و مقولات شناسایی شده در پژوهش حاضر از نقل‌قول‌های متعدد بسیاری از مصاحبه‌شوندگان استخراج گردید که به منظور جلوگیری از طولانی شدن مقاله تنها به ذکر نمونه‌هایی از این شواهد بسنده گردید. در مجموع در پژوهش حاضر تلاش بر این بوده که معیار مسیر ممیزی تا حد امکان رعایت گردد (Merriam, 2009). جداول زیر به ترتیب ویژگی‌های اعضای هیئت علمی و دانشجویان مشارکت‌کننده در پژوهش را نشان می‌دهد:

جدول ۲

ویژگی‌های اعضای هیئت علمی مشارکت‌کننده در پژوهش

دانشکده	بخش	جنسیت	مرتبه علمی	تعداد
اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی	علوم اجتماعی	مرد	دانشیار	۱
	اقتصاد	مرد	دانشیار	۲
علوم	حسابداری	مرد	استاد	۱
	ریاضی	مرد	استاد	۱
	فیزیک	مرد	استاد	۱
	شیمی	زن	دانشیار	۱
	مهندسی مخابرات و الکترونیک	مرد	استاد	۱
کشاورزی	مهندسی شیمی	مرد	استاد	۱
	مهندسی مواد	مرد	استاد	۱
	علوم باغبانی	مرد	دانشیار	۱
	زراعت و اصلاح نباتات	مرد	دانشیار	۱
	اقتصاد کشاورزی	مرد	استاد	۱
	پاتوبیولوژی	مرد	استاد	۱
	علوم درمانگاهی	مرد	دانشیار	۱
علوم تربیتی و روانشناسی	آموزش و پرورش دبستانی و پ دبستانی	مرد	دانشیار	۱
	روانشناسی تربیتی	زن	دانشیار	۱
ادبیات و علوم انسانی	زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی	مرد	دانشیار	۱
	زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی	زن	استاد	۱



جدول ۳

ویژگی‌های دانشجویان مشارکت‌کننده در پژوهش

حوزه تحصیلی	جنسیت	تعداد
علوم انسانی	زن	۴
	مرد	۲
علوم پایه	زن	۳
	مرد	۱
فنی - مهندسی	زن	۲
	مرد	۳
کشاورزی	زن	۲
	مرد	۰
دامپزشکی	زن	۱
	مرد	۲

یافته‌ها

بر اساس نتایج بدست آمده از تحلیل داده‌های پژوهش، شایستگی‌های ارشادشونده پژوهشی در روابط ارشادگری پژوهشی بین استاد راهنما و دانشجوی دکتری مشتمل بر یک مضمون فراگیر (شایستگی‌های ارشادشونده پژوهشی)، چهار مضمون سازمان‌دهنده (شایستگی‌های علمی - پژوهشی، شایستگی‌های حرفه‌ای، شایستگی‌های میان‌فردی و شایستگی‌های فردی) و ۲۸ مضمون پایه و مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی در روابط ارشادگری پژوهشی بین استاد راهنما و دانشجوی دکتری مشتمل بر یک مضمون فراگیر (مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی)، دو مضمون سازمان‌دهنده (رفتارهای وظیفه‌محور، رفتارهای رابطه‌محور) و ۱۳ مضمون پایه می‌باشد. همانگونه که در قسمت قبل اشاره شد، به منظور شناسایی دقیق‌تر و کامل‌تر شایستگی‌ها و مسئولیت‌های دانشجوی دکتری در نقش ارشادشونده پژوهشی در تعامل با استاد راهنما، مصاحبه‌های پژوهش با هر دو طرف رابطه (هم با اساتید راهنما و هم با دانشجویان دکتری) انجام شد. یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌های پژوهش و مطالعات پیشین در **جدول ۴** ارائه شده است.

*	مشارکت در فعالیت‌ها و انجمن‌های علمی *	
	رشته	
*	ارائه گزارش کار طبق برنامه توافق شده	
*	خودبهبودی مداوم	
*	آشکارسازی نقاط ضعف علمی و پژوهشی	
*	اطمینان‌یابی از صحت شیوه عمل	
*	حضور در جلسه با آمادگی قبلی و آماده-سازي خلاصه‌ای از فعالیت‌ها	
*	حضور مستمر	رفتارهای رابطه‌محور
*	انتخاب آگاهانه استاد راهنما	
*	در میان گذاشتن مشکلات شخصی و دانشگاهی با استاد راهنما	
*	احترام و فروتنی در برابر استاد راهنما	
*	کسب اطلاع در خصوص مقررات دانشگاه *	
	در ارتباط با رساله	

با توجه به نتایج **جدول ۴**، مجموعاً ۴۱ مضمون پایه از تحلیل داده‌های پژوهش شناسایی و استخراج شده است که از این تعداد برای ۲۱ مضمون، شواهدی از مصاحبه‌های هر دو گروه مشارکت‌کننده در پژوهش (اساتید راهنما و دانشجویان دکتری) وجود دارد. به عبارت دیگر، هر دو گروه مشارکت‌کننده در پژوهش یعنی اساتید راهنما و دانشجویان دکتری در خصوص این مضامین پایه اشتراک نظر داشته‌اند. مضامین مذکور عبارتند از: دانش پایه قوی، استعداد و توانایی علمی و پژوهشی، خودکار و خودآموز و خودراهر بودن، علاقه و کوشش و پشتکار در فعالیت‌های پژوهشی، داشتن وقت آزاد برای پژوهش، دلسرد و ناامید نشدن در سختی‌ها، علاقه‌مندی به رشته تحصیلی، مسئولیت‌پذیری، با انگیزه و هدفمند بودن، صداقت و شفافیت ارتباطی، توانایی برقراری ارتباط مؤثر، یکی بودن دانشگاه محل تحصیل مقاطع ارشد و دکتری، علاقه‌مند به یادگیری و پیشرفت و موفقیت، توانایی یادگیری از شکست‌ها، ارائه گزارش کار طبق برنامه توافق شده، خودبهبودی مداوم، آشکارسازی نقاط ضعف علمی و پژوهشی، حضور مستمر، انتخاب آگاهانه استاد راهنما، در میان گذاشتن مشکلات شخصی و دانشگاهی با استاد راهنما، و احترام و فروتنی در برابر استاد راهنما. با این حال، تعدادی از مضامین پایه نیز صرفاً از نقل‌قول‌های یک گروه از مشارکت‌کنندگان پژوهش (اساتید راهنما یا دانشجویان دکتری) استخراج و شناسایی شده است. ۱۳ مضمون پایه که منحصراً از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با دانشجویان دکتری بدست آمده است عبارتند از: تسلط به زبان انگلیسی، هوشیاری در تشخیص و بهره‌بردن از پتانسیل‌های استاد راهنما، خودآشکارسازی، قابل اعتماد، زودرنج و حساس نبودن، جسارت در بیان خواسته‌ها و انتظارات، سماجت در مطالبه حقوق، صبور و توانا در حفظ آرامش خود، منظم و وقت‌شناس، درخواست راهنمایی در مواقع لازم، اولویت دادن به پژوهش، اطمینان‌یابی از صحت شیوه عمل، حضور در جلسه با آمادگی قبلی و آماده‌سازی خلاصه‌ای از فعالیت‌ها. در نهایت، ۷ مضمون پایه شامل: خلاقیت و ابتکار و ریسک‌پذیری پژوهشی، رعایت اخلاق علمی و پژوهشی، مدیریت زمان، توانایی کار گروهی، با اعتماد به نفس، مشارکت در فعالیت‌ها و انجمن‌های علمی رشته، و کسب اطلاع در خصوص مقررات دانشگاه در ارتباط با رساله، اختصاصاً از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با اساتید راهنما شناسایی شده است.

همچنین از بررسی و تحلیل محتوای مطالعات موجود در خصوص موضوع پژوهش، تعدادی کد باز بر اساس ویژگی‌هایی که به صورت موردی و جزئی و پراکنده در مبانی نظری و تجربی پژوهش برای ارشادشوندۀ پژوهشی ارائه شده بود، شناسایی و استخراج گردید. با عنایت به ارائه نظرات و یافته‌های مطالعات قبلی در قسمت مرور پیشینه و به منظور جلوگیری از طولانی شدن مقاله از ذکر کدهای مستخرج از مطالعات پیشین در اینجا خودداری می‌گردد. با این حال، در ستون آخر **جدول ۴**، مقابل هر مضمون پایه‌ای که یک کد همسو یا مشابه با آن در حداقل



یکی از مطالعات قبلی شناسایی گردید، علامت زده شده است. همچنین در بین کدهای مستخرج از مطالعات پیشین، هیچ کدی که همسو یا مشابه آن در پژوهش حاضر شناسایی نشده باشد یافت نشد.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری و تحقق و حفظ رابطه‌ی ارشادگری پژوهشی بین استاد راهنما و دانشجوی دکتری، مزایای بسیاری را هم برای دانشجویان دکتری و اساتید راهنما و هم برای دانشگاه به دنبال دارد (Muthuswamy & Molfino, 2017)؛ اما یکی از عوامل لازم برای شکل‌گیری و توسعه و حفظ این رابطه، نشان دادن شایستگی‌های یک ارشادشونده پژوهشی و انجام مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی توسط دانشجو در تعامل با استاد راهنمای خود است (Hernandez et al., 2023; Hosseini, 2020). پژوهش حاضر با هدف واکاوی ادراکات دانشجویان دکتری و اساتید راهنما از شایستگی‌ها و مسئولیت‌های دانشجوی دکتری در نقش یک ارشادشونده پژوهشی انجام شد. با توجه به دوطرفه بودن رابطه‌ی ارشادگری پژوهشی، در نظر گرفتن تمام مضامین پایه حاصل از تحلیل مصاحبه‌های پژوهش با هر دو طرف رابطه (چه اساتید راهنما و چه دانشجویان دکتری) در تعیین شایستگی‌ها و مسئولیت‌های دانشجوی دکتری در نقش ارشادشونده پژوهشی، چارچوب دقیق‌تر و کامل‌تری از شایستگی‌ها و مسئولیت‌های مذکور را فراهم می‌آورد. بر همین اساس، کلیه مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر ارائه شده در جدول ۴، چارچوب شایستگی‌ها و مسئولیت‌های دانشجوی دکتری در نقش ارشادشونده پژوهشی را بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ملاک نهایی برای این چارچوب، مجموع یافته‌های حاصل از مصاحبه با هر دو گروه مشارکت‌کنندگان یعنی اساتید راهنما و دانشجویان دکتری می‌باشد. بدین ترتیب، بر اساس یافته‌های پژوهش شایستگی‌های دانشجوی دکتری در نقش یک ارشادشونده پژوهشی را می‌توان در قالب ۴ دسته طبقه‌بندی نمود که عبارتند از: شایستگی‌های علمی - پژوهشی، شایستگی‌های حرفه‌ای، شایستگی‌های میان‌فردی، و شایستگی‌های فردی. در ادامه، هر یک از این ۴ دسته شایستگی‌ها توصیف و تبیین می‌شود.

شایستگی‌های علمی - پژوهشی دانشجوی دکتری در نقش ارشادشونده پژوهشی بر اساس یافته‌های این پژوهش، با مواردی نظیر دانش پایه قوی، استعداد و توانایی علمی و پژوهشی، خلاقیت و ابتکار و ریسک‌پذیری پژوهشی، خودکار و خودآموز و خودراهبر، علاقه و کوشش و پشتکار در فعالیت‌های پژوهشی، رعایت اخلاق علمی و پژوهشی، داشتن وقت آزاد برای پژوهش، و تسلط به زبان انگلیسی مشخص می‌گردد. بر این اساس دانشجوی دکتری به عنوان یک ارشادشونده پژوهشی، اهل مطالعه است و با مطالعات بسیار و آشنایی با تئوری‌ها و نظریات موجود، از دانش و اطلاعات گسترده در زمینه رشته تخصصی خویش برخوردار است و تلاش می‌کند تا همواره در زمینه مباحث و اطلاعات علمی حوزه مطالعاتی خویش، به روز و آماده بوده و از یک تسلط علمی پایه برای پژوهش در حوزه مورد نظر برخوردار باشد. این دانش و تسلط علمی پایه به ارشادشونده پژوهشی در افزایش توانایی تحلیل و بسط اطلاعات و خلق دانش که لازمه هر پژوهش است، کمک می‌نماید. بدیهی است تحقق هدف ارشادگری پژوهشی یعنی افزایش بهره‌وری پژوهشی ارشادشونده، مستلزم آن است که ارشادشونده پژوهشی از استعداد و توانایی‌ها و قابلیت‌های پژوهشی لازم برخوردار باشد. دانشجوی دکتری ممکن است استعداد و قابلیت‌های علمی و پژوهشی خوبی داشته باشد اما اگر از شجاعت و ریسک‌پذیری لازم برخوردار نبوده و سراغ حوزه‌های پژوهشی نو و ناشناخته نرود و قوه ابتکار و خلاقیت خود را در انجام پژوهش به کار نگیرد، ممکن است قابلیت‌های وی نیز آنچنان که باید و شاید شکوفا نگردد. لذا خلاقیت و ابتکار و ریسک‌پذیری پژوهشی نیز از جمله شایستگی‌های ارشادشونده پژوهشی محسوب می‌گردد که به نوآوری‌ها و موفقیت‌های علمی و پژوهشی برجسته وی بسیار کمک می‌کند. ارشادشونده پژوهشی اساساً متکی به خود است و خیلی به استاد راهنما وابسته نیست و خودش پیگیر پژوهش است و به صورتی خودجوش تلاش می‌کند و یاد می‌گیرد و پیش می‌رود و کم‌کم یک پژوهشگر قوی می‌شود. تا زمانی که دانشجو مدام توقع کمک و راهنمایی از استاد



راهنما داشته باشد و در مواجهه با هر سؤال و مسئله‌ای فوراً به استاد راهنما مراجعه نموده و به اصطلاح، خودش هیچ اجتهادی نکند، یک پژوهشگر مستقل و واقعی نمی‌شود. ارشادشونده پژوهشی، علاقه‌مند به پژوهش است و مشتاقانه برای پژوهش، وقت و انرژی می‌گذارد و سخت و مستمر تلاش می‌کند. به علاوه، همراستا با یافته‌های پژوهش حاضر، بوردرز و همکاران (Borders et al., 2012) نیز معتقدند ارشادشونده پژوهشی همچنین یک پژوهشگر با اخلاق است که همواره از حقوق مشارکت‌کنندگان در پژوهش خود، محافظت می‌کند و با همه هزینه‌های ممکن از درگیر شدن در سوءرفتار پژوهشی نظیر سرقت علمی و جعل داده‌ها اجتناب می‌نماید. پژوهش، یکی از اولویت‌های اصلی در زندگی ارشادشونده پژوهشی است و از این منظر، نقش‌ها و وظایف و مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی اعم از نقش‌های ارشادشونده در درون خانواده و نیز در بیرون از خانواده و در اجتماع و محیط کار، در حدی است که وقت آزاد و کافی برای پژوهش و توسعه دانش و مهارت‌های پژوهشی خویش در اختیار دارد. از آنجا که زبان علم در دنیا در حال حاضر، زبان انگلیسی است و تسلط پژوهشگر بر دانش و اطلاعات به روز در حوزه مطالعاتی‌اش، مستلزم مطالعه مقالات و منابع انگلیسی می‌باشد، لذا تسلط به زبان انگلیسی یکی از شایستگی‌های ضروری دانشجوی دکتری به عنوان یک ارشادشونده پژوهشی به شمار می‌رود.

شایستگی‌های حرفه‌ای، دومین مؤلفه فرعی شناسایی شده در این پژوهش برای مقوله شایستگی‌های ارشادشونده پژوهشی است که بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش در مواردی نظیر دلسرد و ناامید نشدن در سختی‌ها، هوشیاری در تشخیص و بهره‌بردن از پتانسیل‌های استاد راهنما، مدیریت زمان، علاقه‌مندی به رشته تحصیلی، مسئولیت‌پذیری، با انگیزه و هدفمند بودن، بارز و نمایان می‌گردد. در تبیین این یافته‌ها باید گفت مسیر پژوهش و تحقیق، مسیر سخت و مبهم و پُرفراز و نشیبی است و مسائل دنیای علمی جدید نظیر پژوهش‌های رقابتی، حقوق مالکیت فکری و پیچیدگی‌های رقابت‌های موجود در زمینه چاپ و انتشار مقالات و تولیدات علمی، سختی‌ها و دشواری‌های این مسیر را برای پژوهشگران جوان و از جمله دانشجویان دکتری دو چندان می‌نماید (Ulrich & Grady, 2003). ارشادشونده پژوهشی از لحاظ روحی و روانی، قوی و توانمند است و در برابر سختی‌ها و موانع و ناکامی‌های مسیر پژوهش، کم نمی‌آورد و دلسرد و ناامید نمی‌شود بلکه محکم و استوار می‌ایستد و آن‌ها را البته با حمایت و راهنمایی ارشادکننده، پشت سر می‌گذارد. کاستویچ و همکاران (Kostovich et al., 2010) نیز معتقدند ارشادشونده پژوهشی، خودانگیزاننده است و در زمان‌های شکست و ناکامی و سختی، خودش محرک انگیزه خویش است. دانشجوی دکتری در نقش یک ارشادشونده پژوهشی، با زیرکی پتانسیل‌های خاص استاد راهنمای خود را تشخیص می‌دهد و با دانایی و آینده‌نگری و هوش هیجانی بالای خویش، در تعامل با استاد راهنما به گونه‌ای رفتار می‌کند که نشان می‌دهد ظرفیت بهره‌مندی از پتانسیل‌های خاص استادش را دارد و در نتیجه، به موقع و در زمان خود از آن بهره‌مند می‌گردد. این بهره‌مندی از پتانسیل‌های خاص استاد راهنما که به واسطه وجود ظرفیت‌های لازم در ارشادشونده پژوهشی صورت می‌گیرد، نقش مهمی در ایجاد فرصت پیشرفت و موفقیت علمی و حرفه‌ای ارشادشونده دارد. ارشادشونده پژوهشی با برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی صحیح و استفاده بهینه از زمان، در انجام همه مسئولیت‌ها و فعالیت‌های پژوهشی محوله از سوی ارشادکننده و نیز سایر وظایف و فعالیت‌هایی که برای توسعه و موفقیت علمی و حرفه‌ای خویش باید انجام دهد، کارا و موفق است و در رعایت زمان‌بندی‌های مقرر و ضرب‌الاجل‌ها در انجام وظایف و فعالیت‌های پژوهشی خویش توانا می‌باشد. عدم توانایی ارشادشونده پژوهشی در مدیریت زمان بویژه در دنیای علمی پیچیده و پویا و چندبعدی امروز، می‌تواند یک آسیب جدی در مسیر موفقیت شغلی و حرفه‌ای و تبدیل شدن وی به یک پژوهشگر حرفه‌ای باشد. ارشادشونده پژوهشی فرد مسئولیت‌پذیری است و اگر کار یا مسئولیتی از سوی ارشادکننده به وی محول گردد، مشتاقانه می‌پذیرد و تمام تلاش خود را بکار می‌گیرد تا آن مسئولیت را به نحو احسن انجام دهد و همین مسئولیت‌پذیری، فرصت را برای افزایش تجربیات و رشد و یادگیری بیشتر ارشادشونده فراهم می‌سازد. ارشادشونده پژوهشی همچنین عاشق پیشرفت و موفقیت علمی و



پژوهشی و حرفه‌ای است و در این راستا اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت مشخص دارد و این اهداف را قابل تحقق و دسترسی می‌بیند و لذا امیدوار و با انگیزه و آگاهانه و با برنامه در مسیر رسیدن به اهداف خود قدم برمی‌دارد و جلو می‌رود و تصادفی و باری به هر جهت پیش نمی‌رود. شایستگی‌های میان‌فردی، بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش به مواردی نظیر خودآشکارسازی، صداقت و شفافیت ارتباطی، توانایی برقراری ارتباط مؤثر، توانایی کار گروهی، و یکی بودن دانشگاه محل تحصیل مقاطع ارشد و دکتری اشاره دارد. به اشتراک‌گذاری اطلاعات و ویژگی‌های شخصی و سابقه و تاریخچه تحصیلی و به عبارت دیگر، خودآشکارسازی ارشادشونده پژوهشی در تعامل با ارشادکننده، فرصت شناخت بیشتر ارشادشونده را برای ارشادکننده فراهم می‌سازد و احساس راحتی و صمیمیت رابطه را افزایش می‌دهد که این شناخت و صمیمیت برای موفقیت رابطه ارشادگری پژوهشی ضرورت دارد (Briggs, 2006). صداقت و عدم پنهان‌کاری و مخفی‌کاری ارشادشونده پژوهشی در جریان تعامل و همکاری پژوهشی با ارشادکننده، تعارضات و ابهامات رابطه را کاهش داده و اعتماد متقابل را که به نظر پژوهشگران (Pfund et al., 2016) یکی از ویژگی‌های مهم رابطه ارشادگری پژوهشی محسوب می‌گردد، افزایش می‌دهد. بدیهی است هر چقدر مهارت و توانایی ارشادشونده پژوهشی در برقراری ارتباط مؤثر، بیشتر باشد طبیعتاً کیفیت و اثربخشی ارتباط و تعامل وی با استاد راهنما نیز بهتر و بیشتر می‌گردد. ضمن اینکه این مهارت و توانایی ارشادشونده پژوهشی و همچنین توانایی وی برای کار گروهی، در توسعه شبکه ارتباطی حرفه‌ای و افزایش سرمایه اجتماعی دانشجو به عنوان یک منبع پیشرفت و موفقیت علمی و حرفه‌ای نیز اثرگذار است. ضرورت توانایی کار گروهی ارشادشونده پژوهشی در دنیای علمی امروز در آن همکاری‌های علمی و پژوهشی و تولید آثار علمی مشترک به شدت افزایش یافته، به وضوح مشهود است. دانشجویانی که دانشگاه محل تحصیل دوره فوق‌لیسانس و دکتری‌شان یکسان است بویژه اگر استاد راهنمای رساله دکتری‌شان، همان استاد راهنمای پایان‌نامه ارشد آن‌ها باشد که معمولاً نیز همین‌گونه است، بواسطه شناختی که استاد راهنما و دانشجو از یکدیگر دارند و سابقه زمانی ارتباط و همکاری علمی آن‌ها با یکدیگر، در ایجاد و حفظ و بهره‌مندی از رابطه ارشادگری پژوهشی استاد راهنما - دانشجوی دکتری که شناخت متقابل و اعتماد متقابل از جمله ویژگی‌های آن می‌باشد (Hosseini, 2020)، موفق‌تر خواهند بود.

شایستگی‌های فردی، چهارمین و آخرین مؤلفه فرعی شناسایی شده در این پژوهش برای مقوله شایستگی‌های ارشادشونده پژوهشی است که بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش با ویژگی‌هایی نظیر علاقه‌مند به یادگیری و پیشرفت و موفقیت، قابل اعتماد، زودرنج و حساس نبودن، جسارت در بیان خواسته‌ها و انتظارات، سماجت در مطالبه حقوق، صبور و توانا در حفظ آرامش خود، با اعتماد به نفس، توانایی یادگیری از شکست‌ها، و منظم و وقت‌شناس مشخص می‌گردد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان چنین گفت که ترقی‌خواهی و گرایش و علاقه به پیشرفت و موفقیت تحصیلی و شغلی و پیدا کردن جایگاه اجتماعی برجسته از این طریق، از ویژگی‌های درونی و شخصیتی ارشادشونده پژوهشی است که عمدتاً ریشه در نوع تربیت و الگوهای ذهنی کودکی و نوجوانی وی دارد و به نوعی، همین ویژگی نیاز به موفقیت (موفقیت‌خواهی) است که او را تا اینجا رسانده و از این پس نیز عامل مهمی در ادامه دادن راه و طی طریق توسط ارشادشونده پژوهشی تا رسیدن به یک جایگاه علمی و حرفه‌ای متعالی و تثبیت‌شده می‌باشد. سنّفی، هولندز و گانت (Sanfey et al., 2013) معتقدند ارشادکننده پژوهشی، ترکیبی از دوست، همکار و ... است؛ بنابراین ممکن است در مواقعی با ارشادشونده در زمینه برخی اطلاعات خصوصی و محرمانه نیز گفتگو نماید. در این صورت ارشادشونده باید وفاداری خود را نشان دهد و اسرار محرمانه ارشادکننده را حفظ و رازداری نماید. با وجود این تعهد و اعتماد است که تعاملات و تبادل اطلاعات میان ارشادکننده و ارشادشونده می‌تواند با اطمینان و صمیمیت رخ دهد و کیفیت و اثربخشی رابطه ارشادکننده و ارشادشونده افزایش می‌یابد (Hosseini, 2020). انتظار این است که ارشادکننده پژوهشی با دانشجویان دکتری خود به گونه‌ای منصفانه و عادلانه رفتار نماید و در حمایت و راهنمایی این دانشجویان، رعایت عدالت را مدنظر قرار دهد؛ اما با این حال برخی تفاوت در حمایت‌ها (بویژه میان دانشجویان دکتری تازه‌وارد از یک دانشگاه دیگر با دانشجویان دکتری که دانشگاه محل تحصیل مقاطع ارشد و دکتری‌شان یکسان است)، در حال حاضر



امری رایج و معمول در دوره تحصیلات تکمیلی آموزش عالی به نظر می‌رسد. دانشجویان دکتری که به تازگی وارد یک دانشگاه می‌شوند باید بتوانند این مسئله را بپذیرند و انتظار عدالت مطلوب و مورد نظر خویش را نداشته باشند و بدون حساسیت و زودرنجی، به فعالیت‌ها و تلاش‌های علمی - پژوهشی خود بپردازند. در این صورت ضمن اینکه با کاهش فشارهای روانی ناشی از این مسائل، بازده و عملکرد پژوهشی ارشادشونده افزایش می‌یابد، چالش‌ها و تعارضات رابطه و تعامل وی با استاد راهنما (ارشادکننده پژوهشی) نیز کمتر خواهد بود و به تدریج حمایت‌های ارشادکننده از ارشادشونده با مشاهده شایستگی‌های ارشادشونده، بیشتر می‌گردد.

ارشادشونده پژوهشی، بدون رودرواسی یا ترس و دلهره، خواسته‌ها و انتظارات خود از ارشادکننده پژوهشی را به راحتی با وی در میان می‌گذارد و مطرح می‌نماید. این شجاعت و جسارت ارشادشونده در بیان خواسته‌ها و انتظارات وی از رابطه ارشادگری پژوهشی استاد راهنما - دانشجوی دکتری، به ارشادکننده در کسب آگاهی و شناخت نسبت به انتظارات ارشادشونده و در نتیجه، محقق نمودن آن‌ها کمک می‌نماید. در همین راستا بوردرز و همکاران (Borders et al., 2012) نیز معتقدند ارشادشونده پژوهشی خواسته‌ها و مطلوبیت‌هایش در خصوص روابط ارشادگری پژوهشی نظیر نیازها و علایقش در خصوص موضوع پژوهش، تعهدات زمانی مورد انتظار، اولویت و سبک یادگیری و ورش کار، و همین‌طور نتایج بالقوه پژوهش مانند تولیدات علمی و اینکه این تولیدات چه مالکیتی را بدنبال دارد و ... را برای ارشادکننده روشن می‌سازد. ارشادشونده پژوهشی در طلب خواسته‌ها و حقوق خود از رابطه ارشادگری پژوهشی استاد راهنما - دانشجوی دکتری، پیگیر است و سماجت دارد؛ چرا که ارشادکننده پژوهشی ممکن است بدلیل مشغله‌ها و دغدغه‌های کاری و حرفه‌ایش بعضاً انتظارات و صحبت‌های ارشادشونده را فراموش نماید و آنچنان که باید بر آن تمرکز نداشته باشد. بنابراین تحقق انتظارات و حقوق ارشادشونده پژوهشی، گاهی مستلزم پیگیری و سماجت وی در مطالبه آن‌ها است. دانشجوی دکتری در طی دوره دکتری خود مسیر سخت و پُر چالشی را هم بدلیل نیاز به تلاش و پُرحکاری و پشت سر گذاشتن موانع و ناکامی‌های اجتناب‌ناپذیر مسیر پژوهش و فعالیت‌های علمی و هم بواسطه تعاملات و ارتباطات علمی و حرفه‌ای با استاد راهنما و سایر اساتید و افراد علمی و آکادمیک سپری می‌کند که موفقیت در این مسیر، نیازمند صبر و حوصله و توانایی دانشجوی در حفظ آرامش خود و آشفته نشدن در موقعیت‌های پیچیده و دشوار است؛ چرا که هر بار آشفتگی و عصبی شدن دانشجوی از انرژی و عملکرد پژوهشی وی می‌کاهد. به اعتقاد مشارکت‌کنندگان این پژوهش یکی دیگر از خصوصیات مهم ارشادشونده پژوهشی، داشتن اعتماد به نفس است. بدون اعتماد به نفس، ارشادشونده پژوهشی اساساً بدنبال پژوهش‌های نو و اصیل که چالش‌های خاص خود را دارد، بر نمی‌آید و حتی اگر وارد این حوزه شود مدام دچار این نگرانی و استرس است که مبدا کارش را درست انجام ندهد و یا از عهده انجام آن بر نیاید و از این رو همواره و در هر گام از پژوهش به استاد راهنما و جلب نظر و تأیید وی وابسته است و در این صورت، کار پیش نمی‌رود و تمرکز و بازده عملکرد پژوهشی ارشادشونده کاهش می‌یابد. ارشادشونده پژوهشی همچنین اشتباهات و شکست‌ها و ناکامی‌ها را می‌پذیرد و به آن‌ها به دید فرصتی برای یادگیری می‌نگرد و به خوبی درس می‌گیرد و رشد می‌کند. در همین راستا بریگز (Briggs, 2006) نیز اظهار می‌دارد ارشادکننده‌های پژوهشی به دنبال ارشادشونده‌هایی با عزت نفس و اعتماد به نفس قوی و برخوردار از نگرش مثبت در خصوص یادگیری و بازخورد می‌باشند. و در نهایت، ارشادشونده پژوهشی منظم و وقت‌شناس است و در تمام جلسات و قرار ملاقات‌هایش با ارشادکننده، بی‌درنگ حاضر می‌شود و نشان می‌دهد که به تلاش و زمانی که ارشادکننده برای سرمایه‌گذاری بر وی صرف می‌کند، احترام می‌گذارد (Sanfey et al., 2013).

تا اینجا شایستگی‌های دانشجوی دکتری در نقش یک ارشادشونده پژوهشی بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر به طور مفصل توصیف و تبیین گردید. بر اساس نتایج بدست آمده از تحلیل داده‌های این پژوهش، مسئولیت‌های دانشجوی دکتری در نقش یک ارشادشونده پژوهشی در قالب دو دسته رفتارها تقسیم می‌شود که عبارتند از: رفتارهای وظیفه‌محور و رفتارهای رابطه‌محور.



رفتارهای وظیفه‌محور دانشجوی دکتری به عنوان یک ارشادشونده پژوهشی بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل موارد زیر می‌باشد: درخواست راهنمایی در مواقع لازم، اولویت دادن به پژوهش، مشارکت در فعالیت‌ها و انجمن‌های علمی رشته، ارائه گزارش کار طبق برنامه توافق شده، خودبهبودی مداوم، آشکارسازی نقاط ضعف علمی و پژوهشی، اطمینان‌یابی از صحت شیوه عمل، حضور در جلسه با آمادگی قبلی و آماده‌سازی خلاصه‌ای از فعالیت‌ها. بوردرز و همکاران (Borders et al., 2012) اظهار می‌دارند ارشادشونده پژوهشی، خودگردان و مستقل و خودراهر است و در نتیجه برای انجام هر جنبه از پژوهش به ارشادکننده وابسته نیست اما با این حال برای دریافت راهنمایی در حوزه‌های خاصی از فرایند پژوهش به ارشادکننده مراجعه می‌کند. درخواست راهنمایی در مواقع لازم به عنوان یکی از رفتارهای وظیفه‌محور ارشادشونده پژوهشی به این نکته اشاره دارد که اگر چه دانشجوی دکتری نباید برای هر مسئله علمی فوراً و در همان قدم نخست و پیش از هر گونه تلاش برای یافتن راه حل مسئله، به استاد راهنما مراجعه کند اما از سوی دیگر، این موضوع نباید باعث شود که دانشجو خود را اذیت نموده و تحت فشار قرار دهد که حتماً و به هر قیمتی باید خودش به تنهایی یاد بگیرد و جلو برود و کار را بی‌نقص و کامل، تحویل استاد دهد و به این ترتیب ضریب آزمون و خطا و اتلاف وقت و انرژی خود را افزایش دهد. بنابراین ارشادشونده پژوهشی در عین اینکه خودکار و خودآموز و خودراهر است، اما در مواقع لازم نیز به استاد راهنما مراجعه می‌نماید و با راهنمایی گرفتن از ایشان، کار پژوهش را سریعتر و مطمئن‌تر پیش می‌برد. برای دانشجوی دکتری به عنوان یک ارشادشونده پژوهشی، پژوهش نسبت به همه کارها اولویت دارد و خود را وقف یادگیری فرایند پژوهش یا حوزه پژوهشی خاصی که در خصوص آن تحت ارشادگری ارشادکننده قرار دارد، می‌نماید (Borders et al., 2012). مشارکت ارشادشونده پژوهشی در فعالیت‌های حرفه‌ای و انجمن‌های علمی رشته، ضمن توسعه شبکه ارتباطی حرفه‌ای ارشادشونده که یکی از منابع رشد و موفقیت علمی و حرفه‌ای در دنیای علمی امروز محسوب می‌گردد، فرصت مناسبی برای کسب ایده‌های علمی و پژوهشی در جریان این مشارکت و تعاملات ناشی از آن در اختیار ارشادشونده قرار می‌دهد. مضافاً بر اینکه شور و شوق و پویایی موجود در این محیط‌های علمی و حرفه‌ای نیز می‌تواند بر اشتیاق و انرژی ارشادشونده پژوهشی در مسیر فعالیت‌های علمی و پژوهشی‌اش بیفزاید. سنّفی، هولندز و گانت (Sanfey et al., 2013) نیز معتقدند ارشادشونده‌های پژوهشی باید به مشارکت‌کنندگان فعال در آینده خود از طریق توسعه شبکه‌های حمایت حرفه‌ای در درون و بیرون از مؤسسات خود تبدیل شوند. آن‌ها باید در فعالیت‌های سازمان‌های حرفه‌ای در سطوح محلی و ملی مشارکت نمایند.

ارشادشونده پژوهشی در زمان‌های معین، ارشادکننده را در جریان ریز فعالیت‌هایی که برای پژوهش انجام داده است قرار می‌دهد و ایشان را از کارهای انجام شده و روند پیشرفت پژوهش مطلع می‌سازد. باخبر بودن ارشادکننده از فعالیت‌ها و تلاش‌ها و زحمات ارشادشونده، ضمن اینکه احتمال سوءتفاهمات ارشادکننده در خصوص کم‌کاری و عدم حضور ارشادشونده در دانشگاه را کاهش می‌دهد، ارشادکننده را از جزئیات و مسائل پژوهشی که ارشادشونده در طی انجام پژوهش با آن مواجه بوده، آگاه می‌سازد و در نتیجه، زمینه ارائه راهنمایی‌های لازم و به موقع و کاهش ضریب خطای پژوهش و افزایش کیفیت و سطح علمی کار را فراهم می‌نماید. خودبهبودی مداوم، یکی دیگر از رفتارهای وظیفه‌محور ارشادشونده پژوهشی است که بر اساس آن ارشادشونده همواره در صدد است تا از جدیدترین تکنیک‌ها و مهارت‌های پژوهشی و حرفه‌ای آگاه گردد و با جستجو و تلاش و یادگیری، به صورت مداوم سطح دانش و مهارت‌های پژوهشی و آمادگی حرفه‌ای خویش را ارتقا بخشد و از این لحاظ همواره به روز و آماده باشد. ارشادشونده پژوهشی همچنین ضعف‌ها و ناتوانی‌های علمی و پژوهشی خود را از استاد راهنما کتمان و پنهان نمی‌کند بلکه سؤالات، ایرادات، کاستی‌ها و ضعف‌های خود را بدون استرس و نگرانی از برخورد نادرست یا تصور منفی استاد راهنما در مورد خویش و یا احساس خجالت و حقارت، نزد استاد راهنما ابراز و مطرح می‌نماید و به این ترتیب، این فرصت را به خود می‌دهد که با آموزش و راهنمایی و کمک استاد راهنما (ارشادکننده پژوهشی) سؤالات و ضعف‌های وی برطرف گردد. ارشادشونده پژوهشی به علاوه در شروع رساله دکتری و مراحل مهم و خاص آن، ابتدا تا حد امکان از صحت و مناسب بودن پروتکل و روش و شیوه عملی که برای انجام پژوهش مدنظر دارد،





مطمئن می‌شود تا ضریب اشتباه و خطا را در عمل کاهش دهد و احتمالاً مجبور نشود در نیمه راه، روش خود را تغییر داده و اصلاح نماید یا مسیر رفته را بازگردد و از نو آغاز نماید. ارشادشونده در این اطمینان‌یابی به جمیع جهات از جمله علمی و معتبر بودن پروتکل و روش کار، قابلیت اجرایی و هزینه‌ها و امکانات و منابع و زمان مورد نیاز، توانایی‌ها و محدودیت‌های علمی و پژوهشی و شخصی خویش، قابلیت‌ها و توانایی‌های پژوهشی و حرفه‌ای استاد راهنما، انتظارات و انگیزه‌ها و اهداف علمی و حرفه‌ای خویش و ... توجه کافی مبذول می‌دارد. عدم توجه کافی ارشادشونده به موارد مذکور در انتخاب روش و شیوه پژوهش رساله دکتری خویش ممکن است در نیمه مسیر به سرخوردگی و بی‌انگیزگی و یا فرسودگی و خستگی مفرط ارشادشونده منجر گردد که در هر دو صورت، بهره‌وری پژوهشی ارشادشونده را کاهش می‌دهد. و در نهایت، برای اینکه جلسات و گفتگوهای ارشادکننده و ارشادشونده در خصوص فعالیت‌های پژوهشی مشترک آن‌ها از اثربخشی لازم برخوردار باشد ارشادشونده باید پیش از حضور در جلسه تلاش‌های لازم را انجام داده و با آمادگی ذهنی و گزارشی تاپ شده از خلاصه فعالیت‌ها و نتایجی که بدست آورده، نزد ارشادکننده حاضر شود. در این صورت، ارشادکننده نیز بهتر در جریان کار و مسائل پژوهش در حال انجام، قرار می‌گیرد و مشورت و تبادل نظر ارشادکننده و ارشادشونده، مؤثرتر خواهد بود. در همین راستا سنّفی، هولندز و گانت (Sanfey et al., 2013) نیز معتقدند ارشادشونده پژوهشی باید با لیستی از موضوعات آماده شده برای بحث در جلسه (نظیر جدول زمانی برای پروژه‌ها) نزد ارشادکننده حضور یابد. رفتارهای رابطه‌محور دانشجوی دکتری به عنوان یک ارشادشونده پژوهشی بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش مشتمل بر موارد زیر می‌باشد: حضور مستمر، انتخاب آگاهانه استاد راهنما، در میان گذاشتن مشکلات شخصی و دانشگاهی با استاد راهنما، احترام و فروتنی در برابر استاد راهنما، کسب اطلاع در خصوص مقررات دانشگاه در ارتباط با رساله. دانشجوی دکتری با حضور مستمر خویش در دانشگاه، زمینه تعامل و گفتگوی بیشتر با استاد راهنما و در نتیجه، ایجاد شناخت متقابل که به عنوان یکی از ویژگی‌های رابطه ارشادگری پژوهشی می‌باشد (Hosseini, 2020) را فراهم می‌نماید؛ و همچنین فرصت همکاری‌های علمی و پژوهشی با استاد راهنما و تجربیات حرفه‌ای بیشتر را بدست می‌آورد. به علاوه، هر چقدر دانشجو بیشتر در دانشگاه حضور داشته باشد، امکان مشورت وی با استاد راهنما درباره رساله و سایر پژوهش‌های جانبی که مشغول انجام آن است بیشتر می‌شود که ضمن این مشورت‌ها و گفتگوهای علمی معمولاً نکته‌هایی دستگیر دانشجو می‌شود که سرعت و کیفیت کار او را افزایش می‌دهد و بهره‌وری پژوهشی وی را بیشتر می‌نماید. حضور مستمر دانشجو در دانشگاه همچنین سبب آشنایی بیشتر او با افراد و اعضای گروه آموزشی و جو و فضای گروه و دانشکده و به طور کلی هنجارهای رشته‌ای و دانشگاهی می‌گردد و بلوغ حرفه‌ای و جامعه‌پذیری دانشجو را تسهیل می‌نماید که این بلوغ و جامعه‌پذیری برای موفقیت علمی و حرفه‌ای و دنبال نمودن مسیر پژوهش به صورت حرفه‌ای توسط دانشجو ضرورت دارد. بنابراین یکی از مسئولیت‌های دانشجوی دکتری برای ایفای نقش به عنوان یک ارشادشونده پژوهشی، این است که در دانشگاه حضور داشته باشد و حتی المقدور از آن به مدت طولانی فاصله نگیرد و جدا نباشد و با دانشگاه در ارتباط باشد. دانشجوی دکتری در نقش یک ارشادشونده پژوهشی همچنین استاد راهنمای خود را آگاهانه و هدفمندانه و بر یک مبنای منطقی و برنامه‌ریزی شده انتخاب می‌نماید. به این منظور دانشجو تلاش می‌کند تا با کسب اطلاعات کافی و شناخت دقیق تخصص، توانایی‌ها، منابع و امکانات، علایق و زمینه پژوهشی، اهداف علمی و حرفه‌ای و حتی ارزش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی استاد و در نظر گرفتن جمیع این موارد در کنار روحیات و ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌ها و انتظارات و اهداف و علایق علمی و پژوهشی و حرفه‌ای خویش، متناسب‌ترین و بهترین گزینه را به عنوان استاد راهنمای رساله دکتری خود انتخاب نماید. ارشادشونده پژوهشی در مواقع لازم مشکلات شخصی و دانشگاهی خود را با ارشادکننده در میان می‌گذارد تا اگر به دلیل مشکلات شخصی، موقتاً نمی‌تواند همچون گذشته و آنچنان که باید و شاید به تلاش و فعالیت علمی و پژوهشی بپردازد و یا به دلیل مشغولیت و درگیری ذهنی ناشی از مشکلاتش در تعامل با سیستم و دانشگاه، تمرکز و عملکرد پژوهشی وی کاهش یافته است، استاد راهنما در جریان این مسائل قرار گرفته و رابطه وی با دانشجو بواسطه این کم‌کاری دانشجو، تحت تأثیر قرار نگیرد. به علاوه،



هنگامی که ارشادشونده، مشکلات خویش را با ارشادکننده در میان می‌گذارد و مطرح می‌کند حتی اگر ارشادکننده نتواند مستقیماً و عملاً کاری برای رفع این مشکلات انجام دهد احتمالاً با مشاوره و راهنمایی خویش می‌تواند در جهت حل این مشکلات، اثرگذار باشد و یا با آگاهی از شرایط خاص دانشجوی، کمک و حمایت ویژه‌ای در راستای افزایش عملکرد پژوهشی وی ارائه نماید و در نهایت، حداقل فایده مطرح کردن و در میان گذاشتن مشکلات با استاد راهنما این است که ارشادشونده با صحبت کردن درباره مشکلات خود و مطلع نمودن استاد راهنما از آن، از بار و فشار روانی این مشکلات و همچنین نگرانی از برخورد و واکنش استاد راهنما در برابر کم‌کاری علمی و پژوهشی خویش می‌کاهد که همین احساس آرامش، خود می‌تواند به افزایش انرژی و تمرکز پژوهشی دانشجوی کمک نماید. ارشادشونده پژوهشی حتی اگر به لحاظ دانش و تسلط علمی در حوزه پژوهشی خاص خویش از استاد راهنمای خود پیشی بگیرد که بعضاً امری طبیعی نیز هست، همواره در رفتار و تعاملات خویش با استاد راهنما ادب و احترام و تواضع و فروتنی را رعایت می‌نماید (Kostovich et al., 2010; Sanfey et al., 2013). سرانجام، دانشجوی دکتری در نقش یک ارشادشونده پژوهشی، با کسب اطلاع کافی و آگاهی به موقع از آئین‌نامه‌ها و مقررات دانشگاه محل تحصیل خویش در خصوص رساله دکتری و فرایند انجام دفاع رساله و حرکت مطابق این مقررات، از بروز موانع و چالش‌های قانونی در مسیر انجام موفقیت‌آمیز رساله جلوگیری نموده و کارایی و اثربخشی خود را در این زمینه بهبود می‌بخشد.

پیشنهادها

یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند به عنوان مبنایی برای تدوین و اعتباریابی مقیاس شایستگی‌ها و مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی در پژوهش‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد. با استفاده از چنین مقیاسی می‌توان به ارزیابی وضعیت شایستگی‌ها و مسئولیت‌های دانشجویان دکتری در ایفای نقش ارشادشونده پژوهشی و شناسایی نقاط ضعف موجود پرداخت و در نتیجه، توجه بیشتر مسئولان در زمینه سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و انجام اقدامات لازم جهت رفع نقاط ضعف شناسایی شده را برانگیخت.

به نظر می‌رسد اولین و اساسی‌ترین قدم در راستای توانمندسازی و توسعه حرفه‌ای دانشجویان دکتری از لحاظ شایستگی‌ها و مسئولیت‌های شناسایی شده در این پژوهش، آگاه‌سازی و افزایش توجه دانشجویان نسبت به هر یک از شایستگی‌ها و مسئولیت‌های مذکور و اهمیت و فواید آن در پیشرفت و موفقیت پژوهشی و حرفه‌ای آنان، به منظور افزایش تأمل و خودآگاهی و خودشناسی و بدنبال آن تلاش و اقدام در راستای بهسازی خویش و به نمایش گذاشتن شایستگی‌ها و مسئولیت‌های مذکور در تعاملات خود با استاد راهنما از سوی خود دانشجویان می‌باشد که در همین راستا پیشنهاد می‌گردد یک کتابچه راهنما در خصوص شایستگی‌ها و مسئولیت‌های ارشادشونده پژوهشی بر مبنای یافته‌های این پژوهش و تحلیل‌های ارائه شده در قسمت بحث و نتیجه‌گیری، از سوی آموزش عالی تنظیم گردیده و در اختیار دانشجویان دکتری قرار داده شود. همچنین با توجه به شناسایی ۶ مضمون سازمان‌دهنده در پژوهش حاضر که ۴ مورد از آن‌ها مجموعاً شایستگی‌ها و ۲ مورد نیز در مجموع مسئولیت‌های دانشجوی دکتری در نقش ارشادشونده پژوهشی را بر حسب یافته‌های این پژوهش تشکیل می‌دهند، پیشنهادات زیر برای برنامه‌ریزان آموزش عالی و مسئولان دانشگاهی و اساتید راهنما و دانشجویان دکتری به منظور توسعه شایستگی‌ها و مسئولیت‌های مذکور در دانشجویان دکتری به تفکیک هر مضمون ارائه می‌گردد:

پیشنهادات برای توسعه شایستگی‌های علمی - پژوهشی:

- انتخاب اساتید شایسته و بهبود نظارت بر کیفیت آموزش در دوره‌های آموزشی دکترا با هدف افزایش تخصص علمی و دانش پایه

دانشجویان دکتری قبل از ورود به دوره پژوهشی



- اولویت‌دهی به کیفیت ورودی‌های دکتری در مقایسه با کمیت آن و توجه بیشتر به معیارهایی نظیر استعداد و توانایی علمی، برخورداری از علاقه و انگیزه برای پژوهش، داشتن وقت آزاد برای پژوهش و تسلط به زبان انگلیسی در پذیرش دانشجویان دکتری
- تدوین برنامه درسی اثربخش به منظور ایجاد شایستگی‌های پژوهشی لازم و تقویت خودراهبری و استقلال پژوهشی دانشجویان در دوره‌های کارشناسی ارشد و دوره آموزشی دکترا و دقت در انتخاب اساتید شایسته برای تدریس دروس مهمی مانند روش تحقیق و ارزیابی و نظارت بیشتر در خصوص اثربخشی آموزش در این درس
- پیشنهادات برای توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای:
- اختصاص زمان از سوی استاد راهنما برای گفتگوی راحت و صمیمانه در خصوص مسیر زندگی حرفه‌ای استاد راهنما بویژه در زمینه تجربیات استاد از مسئولیت‌پذیری‌های وی در طول زندگی حرفه‌ای خودش و سختی‌ها و ناکامی‌ها و فشارهای کار پژوهشی و شیرینی‌های پایداری در این راه تا حصول نتیجه و رسیدن به موفقیت و جایگاه حرفه‌ای معتبر به منظور ایفای مدل نقش و الگوسازی برای دانشجو جهت یادگیری شایستگی‌های حرفه‌ای لازم در نقش یک ارشادشونده پژوهشی
- برگزاری کارگاه‌های باکیفیت و اثربخش در خصوص مدیریت زمان برای دانشجویان دکتری
- برگزاری سمینارها و همایش‌هایی در دانشگاه برای دانشجویان مستعد و شایسته در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد با هدف افزایش دانش و اطلاعات آن‌ها از طیف گرایش‌ها و مسیرهای تحصیلی پیش رو و گزینه‌های شغلی و حرفه‌ای آن و میزان سازگاری و تناسب هر یک از این گزینه‌ها با تیپ‌های شخصیتی مختلف به منظور کمک به انتخاب و ورود آگاهانه و هدفمندانه دانشجویان علاقه‌مند به ادامه تحصیل در مقطع دکتری و حفظ انگیزش تحصیلی و حرفه‌ای آنان در طول مقطع دکتری و پس از آن
- پیشنهادات برای توسعه شایستگی‌های میان‌فردی:
- توجه به قابلیت‌های داوطلبان در زمینه مهارت‌های ارتباطی و کارگروهي در پذیرش آنان برای ورود به مقطع دکتری
- برگزاری کارگاه‌های باکیفیت و اثربخش در خصوص توسعه مهارت‌های ارتباطی و افزایش توانایی کارگروهي برای دانشجویان دکتری
- برگزاری کارگاه‌های لازم برای دانشجویان مقطع کارشناسی با هدف آگاه‌سازی آنان در زمینه اهمیت انتخاب دانشگاه برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد با در نظر گرفتن فواید یکسان بودن دانشگاه محل تحصیل مقاطع ارشد و دکتری برای دانشجو در صورت ادامه تحصیل وی در مقطع دکتری در آینده
- پیشنهادات برای توسعه شایستگی‌های فردی:
- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای اجرای دوره‌های آموزشی باکیفیت و اثربخش در زمینه توسعه فردی و خودتوانمندسازی روانشناختی برای دانشجویان مستعد و موفق در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد به منظور آماده‌سازی آنان برای ورود به دوره دکتری و لحاظ کردن مشارکت و فعال بودن در این دوره‌ها به عنوان یک امتیاز برای پذیرفته شدن در مقطع دکتری
- سنجش سطح شایستگی‌های فردی نظیر داشتن اعتماد به نفس، توانایی یادگیری از شکست‌ها، زودرنج و حساس نبودن، قابل اعتماد بودن، حفظ آرامش خود در موقعیت‌های سخت و دشوار و توانایی مدیریت استرس، جسارت در بیان خواسته‌ها و انتظارات و ... در دانشجویان
- در همان بدو ورود به مقطع دکتری و اختصاص مشاورین شایسته و اثربخش برای هر یک از دانشجویان در صورت نیاز
- پیشنهادات برای توسعه رفتارهای وظیفه‌محور:

- در نظر گرفتن رفتارهایی نظیر درخواست راهنمایی در مواقع لازم، اولویت دادن به پژوهش، ارائه گزارش کار طبق برنامه، حضور در جلسه با آمادگی قبلی و آماده‌سازی خلاصه‌ای از فعالیت‌ها به عنوان معیارهایی در ارزشیابی نهایی رساله دکتری دانشجویان از سوی داور با دریافت نظرات استاد راهنما در خصوص موارد مذکور
- حمایت استاد راهنما از دانشجویان برای مشارکت وی در فعالیت‌ها و انجمن‌های علمی رشته و فراهم کردن فرصت‌هایی برای دانشجویان به این منظور
- واکنش و پاسخگویی مناسب استاد راهنما به سؤالات و مشکلات علمی و پژوهشی دانشجویان با هدف تشویق و ترغیب دانشجویان به بیان و ابراز نادانسته‌ها و نقاط ضعف علمی و پژوهشی خود بدون احساس حقارت و بی‌ارزشی
- پیشنهادات برای توسعه رفتارهای رابطه‌محور:
- توجه بیشتر دانشجویان در هنگام انتخاب استاد راهنما نسبت به اهداف حرفه‌ای خویش و علایق پژوهشی و ویژگی‌های شخصیتی و شرایط کاری خود و استاد راهنما
- دادن حق انتخاب واقعی به دانشجویان از سوی گروه آموزشی برای انتخاب استاد راهنمای مورد نظر خویش و پرهیز از هر گونه تحمیل مستقیم و غیرمستقیم در این خصوص
- سیاستگذاری در خصوص آیین‌نامه‌های ترفیع و ارتقا در راستای اجتناب از اعضای هیئت علمی از پراکنده‌کاری پژوهشی و وجود زمینه‌ها و رگه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی مشخص در رزومه پژوهشی آنان به منظور تسهیل آشنایی دانشجویان دکتری با علایق و حوزه پژوهشی اعضای هیئت علمی و فراهم شدن زمینه جهت انتخاب آگاهانه استاد راهنما توسط دانشجویان
- اعتمادسازی و ارائه فرصت به دانشجویان از سوی استاد راهنما برای در میان گذاشتن مشکلات شخصی و دانشگاهی خود با استاد راهنما در مواقع لازم با هدف آگاهی استاد راهنما از شرایط دانشجویان و کاهش بار روانی این شرایط برای دانشجویان و مشاوره و کمک به دانشجویان در رفع مشکلات در صورت امکان.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

در اینجا از تمام کسانی که نویسندگان را در انجام این تحقیق یاری نمودند، قدردانی می‌شود.

References

- Altbach, P. G. (2007). *Doctoral education: Present realities and future trends*. Springer Netherlands. https://doi.org/10.1007/978-1-4020-4012-2_5
- Amador-Campos, J. A., Peró-Cebollero, M., Feliu-Torruella, M., Pérez-González, A., Cañete-Massé, C., Jarne-Esparcia, A. J., & Guardiola-Olmos, J. (2023). Mentoring and research self-efficacy of doctoral students: a psychometric approach. *Education Sciences*, 13(4), 358. <https://doi.org/10.3390/educsci13040358>
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405. <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>
- Boeren, E., Lokhtina-Antoniou, I., Sakurai, Y., Herman, C., & McAlpine, L. (2015). Mentoring: A Review of early career researcher studies. *Frontline Learning Research*, 3(3), 68-80. <https://eric.ed.gov/?id=EJ1091054>



- Borders, L. D., Wester, K. L., Granello, D. H., Chang, C. Y., Hays, D. G., Pepperell, J., & Spurgeon, S. L. (2012). Association for Counselor Education and Supervision guidelines for research mentorship: Development and implementation. *Counselor Education and Supervision*, 51(3), 162-175. <https://doi.org/10.1002/j.1556-6978.2012.00012.x>
- Briggs, C. A. (2006). *Research Mentorship in Counselor Education*. Oregon State University. https://ir.library.oregonstate.edu/concern/graduate_thesis_or_dissertations/4f16c636g
- Curtin, N., Malley, J., & Stewart, A. J. (2016). Mentoring the next generation of faculty: Supporting academic career aspirations among doctoral students. *Research in Higher Education*, 57(6), 714-738. <https://doi.org/10.1007/s11162-015-9403-x>
- Echresh, S., Beiramipour, A., & Parsa, A. (2023). A phenomenological study of the challenges of transitioning to virtual learning in Iranian universities with regard to the Corona pandemic. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 29(1), 113-138. <https://doi.org/10.61838/irphe.29.1.5>
- Faraji Dehsorkhi, H., Arasteh, H., Navehebrahim, A., & Abdollahi, B. (2016). Identifying doctoral admissions criteria: a qualitative study. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 21(4), 71-97. https://journal.irphe.ac.ir/article_702885_en.html
- Haider, Z., & Dasti, R. (2022). Mentoring, research self-efficacy, work-life balance and psychological well-being of doctoral program students. *International Journal of Mentoring and Coaching in Education*, 11(2), 170-182. <https://doi.org/10.1108/IJMCE-07-2020-0036>
- Hernandez, P. R., Ferguson, C. F., Pedersen, R., Richards-Babb, M., Quedado, K., & Shook, N. J. (2023). Research apprenticeship training promotes faculty-student psychological similarity and high-quality mentoring: A longitudinal quasi-experiment. *Mentoring & Tutoring: Partnership in Learning*, 31(1), 163-183. <https://doi.org/10.1080/13611267.2023.2164973>
- Hosseini, N. (2020). *Model of Supervisor-PhD student research mentoring: A mixed method study*. Shiraz University. https://journal.irphe.ac.ir/article_702986_en.html?lang=fa
- Keyser, D. J., Lakoski, J. M., Lara-Cinisomo, S., Schultz, D. J., Williams, V. L., Zellers, D. F., & Pincus, H. A. (2008). Advancing institutional efforts to support research mentorship: A conceptual framework and self-assessment tool. *Academic Medicine*, 83(3), 217-225. <https://doi.org/10.1097/ACM.0b13e318163700a>
- Kostovich, C., Saban, K., & Collins, E. (2010). Becoming a nurse researcher: the importance of mentorship. *Nursing Science Quarterly*, 23(4), 281-286. <https://doi.org/10.1177/0894318410380260>
- Laverick, D. M. (2016). *The Mentoring Process*. Springer, Cham. <https://doi.org/10.1007/978-3-319-39217-2>
- Lee, H. F., Miozzo, M., & Laredo, P. (2010). Career patterns and competences of PhDs in science and engineering in the knowledge economy: The case of graduates from a UK research-based university. *Research Policy*, 39(7), 869-881. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2010.05.001>
- Maisel, N. C., Halvorson, M. A., Finney, J. W., Bi, X., Hayashi, K. P., Blonigen, D. M., & Cronkite, R. C. (2017). Institutional Incentives for Mentoring at the US Department of Veterans Affairs and Universities: Associations With Mentors' Perceptions and Time Spent Mentoring. *Academic Medicine*, 92(4), 521-527. <https://doi.org/10.1097/ACM.0000000000001507>
- Merriam, S. B. (2009). *Qualitative Research: A Guide to Design and Implementation*. Jossey-Bass. https://books.google.com/books/about/Qualitative_Research.html?id=tvFICrgcuSIC
- Muthuswamy, S., & Molfino, R. (2017). Student-Supervisor Relationship in the Process of Managing a Ph. D.: Engineering Perspective. *Journal of Professional Issues in Engineering Education and Practice*, 143(4), 02517001. [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)EI.1943-5541.0000327](https://doi.org/10.1061/(ASCE)EI.1943-5541.0000327)
- Nerad, M. (2004). The PhD in the US: Criticisms, facts, and remedies. *Higher Education Policy*, 17(2), 183-199. <https://doi.org/10.1057/palgrave.hep.8300050>
- Pfund, C., Byars-Winston, A., Branchaw, J., Hurtado, S., & Eagan, K. (2016). Defining attributes and metrics of effective research mentoring relationships. *AIDS and Behavior*, 20(2), 238-248. <https://doi.org/10.1007/s10461-016-1384-z>
- Sanfey, H., Hollands, C., & Gantt, N. L. (2013). Strategies for building an effective mentoring relationship. *The American Journal of Surgery*, 206(5), 714-718. <https://doi.org/10.1016/j.amjsurg.2013.08.001>
- Steber, H. S., Fishler, K. P., & McBrien, S. B. (2023). Characterizing the research mentorship experience of genetic counseling students. *Journal of Genetic Counseling*, 32(6), 1301-1313. <https://doi.org/10.1002/jgc4.1811>
- Ulrich, C. M., & Grady, C. (2003). Research mentors: an understated value? *Nursing Research*, 52(3), 139. <https://doi.org/10.1097/00006199-200305000-00001>
- Vierra, K. D., Beltran, D. R., Denecker, L., & Robnett, R. D. (2024). "Research Mentors Should Support Students of Color by Taking an Extra Step." Undergraduates' Reasoning about Race and STEM Research Mentorship. *Education Sciences*, 14(2), 162. <https://doi.org/10.3390/educsci14020162>
- Wekullo, C. S., Ouda, J. B., Keseko, E., Shiundu, J. O., & Poipoi Moses, W. (2024). Mentorship for capacity building among young scholars in knowledge translation, research, and practice in universities in Kenya. *Mentoring & Tutoring: Partnership in Learning*, 32(2), 165-183. <https://doi.org/10.1080/13611267.2024.2323475>
- Young, B. R., Williamson, H. J., Burton, D. L., Massey, O. T., Levin, B. L., & Baldwin, J. A. (2015). Challenges and benefits in designing and implementing a team-based research mentorship experience in translational research. *Pedagogy in Health Promotion*, 1(4), 233-246. <https://doi.org/10.1177/2373379915600174>